



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

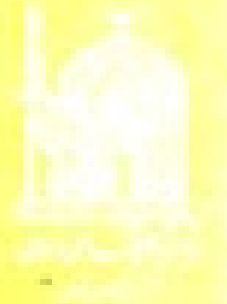


عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مجلس المدینہ منورہ، لاہور

۲۰۱۱



مفتاح الغیب

در آداب استخارہ

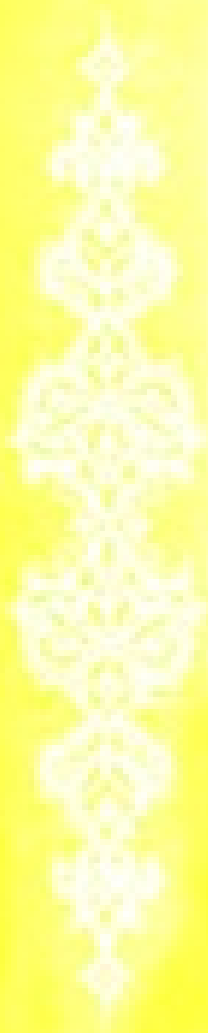
مجلس المدینہ منورہ، لاہور

پیشہ

آداب نماز شب

تحقیق:

سید سید جلالی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مفتاح الغیب به ضمیمه آداب نماز شب

نویسنده:

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مفتاح الغیب به ضمیمه آداب نماز شب
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۲	پیرامون کتاب:
۱۴	مقدمه
۱۶	فاتحه: در بیان فضیلت استخاره است
۱۶	اشاره
۲۰	مفتاح اول: در بیان نوع اول است اُعی استخاره مطلقه
۳۸	مفتاح دوم: در بین نوع دوم استخاره است
۴۲	مفتاح سوم: استخاره به جناب مقدس الهی است با مشورت کردن با مؤمنان
۴۷	مفتاح چهارم: در بیان استخاره به قرآن مجید است
۵۵	مفتاح پنجم: در بیان استخاره به تسبیح است
۵۸	مفتاح ششم: استخاره به رقع است
۶۵	مفتاح هفتم: در بیان استخاره به رقع است بر خلاف طریق مشهور
۶۶	مفتاح هشتم: در بیان استخاره به بنادق است
۷۲	خاتمه: در بیان بعضی از امور نادره است
۷۸	آداب نماز شب
۸۵	درباره مرکز

مفتاح الغیب به ضمیمه آداب نماز شب

مشخصات کتاب

سرشناسه: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق.

عنوان قراردادی: مفتاح الغیب. فارسی

عنوان و نام پدید آور: مفتاح الغیب، به ضمیمه آداب نماز شب / تالیف محمد باقر مجلسی؛ تحقیق و تصحیح مهدی رجایی

مشخصات نشر: مشهد - انتشارات آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی ۱۳۶۷

مشخصات ظاهری: ۷۹ ص.

شابک: ۱۶۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۹۳-۳۶-۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا

عنوان دیگر: مفتاح الغیب، به ضمیمه آداب نماز شب.

رده بندی کنگره: ۵/۲۷۲/BP/م ۳/۴۱ م ۷۰۴۱ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۷۸۴۳۸

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

مفاتيح الغيب (به ضميمه آداب نماز شب)

تأليف محمد باقر مجلسی ره

تحقيق و تصحيح مهدي رجایی

ص: ۵

خوانندگان عزیز را، به چند مطلب پیرامون کتاب *مفاتيح الغيب* متذکر می گردانم:

۱- موضوع کتاب در انواع استخاره است که از طریق پیشوایان دین وارد شده که انسان در انجام کارهایی که متخیر می شود به یکی از این راهها رفع تخیر کند.

۲- کتاب مشتمل است بر فاتحه و هشت مفتاح به عدد أبواب جنان و خاتمه. فاتحه، درباره فضیلت استخاره است که از ائمه معصومین (علیه السلام) وارد شده است و مفتاح اول، در بیان نوع اول است که استخاره مطلقه باشد. مفتاح دوم، در بیان نوع دوم استخاره است که رجوع به قلب خود کند. مفتاح سوم، استخاره به جناب مقدس الهی است با مشورت کردن با مؤمنان. مفتاح چهارم، در بیان استخاره به قرآن مجید است. مفتاح پنجم، در بیان استخاره به تسبیح است. مفتاح ششم، استخاره به رقع است. مفتاح هفتم، در بیان استخاره به رقع است بر خلاف طریق مشهور. مفتاح هشتم، در بیان استخاره به بنادق است و خاتمه در بیان بعضی از امور نادره است.

۳- انگیزه تألیف این کتاب، چه بوده است؟ مؤلف، در پایان خاتمه کتاب چنین گوید: و یک جهت نوشتن فقیر این رساله وافیه را این است که برادران ایمانی بر اخبار و آثار ائمه طاهرین و پیشوایان دین (صلوات الله علیهم أجمعین) که در این باب وارد شده مطلع شوند و کیفیت انواع استخاره را بدانند که بهر نحو که خواهند در حوائج خود به استخاره متوسل شوند، و در همه امور اعتماد بر پروردگار خود نمایند، و بدانند که خداوند رحیم در فیض خود را، بر روی بندگان گناهکار نبسته، و همه را در جمیع امور به درگاه خود خوانده و گناه عاصیان را مانع لطف و احسان خود نگردانیده.

۴- عنوان کتاب *مفاتيح الغيب* است چنانچه مؤلف در دیباچه کتاب که در

نسخه اصل آن که به خط مؤلف موجود است تصریح به آن نموده است، پس آنچه در این کتاب: روضات، ۸۲/۲ و فیض القدسی حاجی نوری که در جلد صد و پنج بحار چاپ شده است در صفحه ۴۹ آن، و ذریعه ۳۰۴/۲۱ و زندگینامه علامه مجلسی، ص ۲۱۵ عنوان کتاب را مفاتح الغیب دانسته اند، اشتباه است.

۵- این کتاب، یک بار ظاهراً در سال ۱۳۰۶ هجری قمری چاپ سنگی شده است چنانچه در ذریعه بدان اشاره شده است، پس آنچه در زندگینامه علامه مجلسی آمده که کتاب، چندین بار به چاپ رسیده است اشتباه است، و همچنین آنچه در پاورقی کتاب فیض قدسی آمده که کتاب هنوز به چاپ نرسیده است اشتباه است.

۶- علامه بزرگوار، آقابزرگ تهرانی در ذریعه یادآوری می کند که نسخه اصل کتاب، به خط مؤلف در نجف اشرف، نزد سید محمد رضا تبریزی موجود است، و نسخه اصل به خط مؤلف، فعلاً در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که این کتاب از روی آن استنساخ، و مقابله و تحقیق شده است، بعید نیست که آستانه از آقای تبریزی، نسخه را خریداری کرده باشد یا وجود نسخه اصل نزد ایشان اشتباه باشد.

۷- این کتاب، چنانچه متذکر شدیم از روی نسخه اصل که تمام کتاب به خط مؤلف است استنساخ، و مقابله و تحقیق شده و کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است مشخصات کتاب از این قرار است، کتاب به شماره عمومی (۸۲۲۲) دارای (۳۸) ورق است، طول صفحه (۱۹) و عرض آن (۱۲) است و در آخر نسخه چنین آمده است:

[و با توزع بال و تشتت احوال و وفور اشتغال در چند شب از لیالی ماه مبارک رمضان سنه هزار و صد و چهار هجری نوشته شد و الحمد لله اولاً و آخراً و الصلوه علی سید المرسلین محمد و عترته المقدسین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین.]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَعْلَمُ خَيْرَ عِبَادَةٍ سِوَاهُ، وَ مِنْ اسْتِخَارَةِ هِدَاةٍ، وَ مِنْ اسْتِشَارَةِ كِفَاةٍ، وَ مِنْ اسْتِجَارَةِ
 آوَاهِ، وَالصَّلَاةِ عَلَى خَيْرِ مَنْ اسْتَجَابَهُ اللَّهُ وَ لِبَاهِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ كَانَتْ الْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَ مِنْ عَادَاهُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ.

و بعد: مستمد فیوض قدسی محمد باقر مجلسی عفی اللہ عن سنیئاته، و حشره معه موالیه و ساداته بر الواح ارواح برادران ایمانی، و
 سالکان مسالک قرب یزدانی می نگارد که چون اخبار متکاثره و احادیث متضافره از حضرت رسالت پناه و عترت
 طاهره (صلوات اللہ علیہ و علیہم أجمعین) در فضیلت استخاره و استشاره از جناب مقدس ربّ الارباب، و بیان انواع (۱) آن، به
 نظر قاصر این بی بضاعت رسیده بود، و اکثر خلق را اطلاع بر آنها میسر نبود، و به این سبب از فوائد و برکات آن محروم
 بودند، لهذا در این رساله که بر فاتحه و هشت مفتاح به عدد ابواب جنان، و خاتمه مشتمل است اخبار و آثار معتبره که در این
 باب وارد شده ایراد نمود، و به مفتاح الغیب مسمی گردانید، مستمداً من اللّٰه المعونه، و هو حسبی و نعم الوکیل.

ص: ۹

در بیان فضیلت استخاره است

بدان که استخاره در لغت طلب خیر و راهنمایی به صلاح خود از کسی نمودن است، و استخاره نیز مراجعت به کسی کردن است در امری که آدمی را در آن ترددی باشد، تا آنکه او اشاره کند به امری که صلاح این کس در آن است به مقتضای رأی او، و اگرچه استخاره از برادران مؤمن نیز مطلوب است، چنانچه بعد از این اشاره به آن خواهد شد.

اما مقصود اصلی در این مقام طلب خیر از جناب مقدس الهی است، و رجحان آن به حسب عقل و نقل معلوم است، چه ظاهر است که صانع عالم به مصالح دنیا و عقبای بنی آدم از همه کس داناتر است، و با لطف و کرم نامتناهی و بی نیازی از جمیع خلق و قدرت بر جمیع امور ممکنه در آنچه صلاح بندگان در آن است ضمنت و بخل نمی نماید، خصوصاً وقتی که بنده امور خود را به او گذارد و از او صلاح خود را طلب نماید، پس باید که بنده خیر خود را در جمیع امور از پروردگار خود طلب نماید و مصلحت خود را به لطف او گذارد.

و ایضاً معلوم است که مقتضای بندگی و کمال مرتبه عبودیت آن است که مرادات و ارادات خود را تابع ارادات حق گرداند، و به مقتضای **وَ مَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ (۱)** از مشیت خود خالی گردد، و خواهش خداوند خود را، بر خواهش خود مقدم

ص: ۱۱

دارد، تا آن که خداوند رحیم او را به خود نگذارد، و در هر میسور و معسور مدبر امور او گردد، و به فحوای ... وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ... (۱) حق تعالی کافی مهمات او باشد، و این مرتبه اعلائی درجات مقربان است.

و به سندهای بسیار، شیخ مفید و سید بن طاووس و دیگران از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که حق تعالی می فرماید که از جمله شقاوت بنده من آن است که کارها کند و طلب خیر خود از من ننماید (۲) و سید و برقی، به سندهای معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که هر که در امری بدون استخاره داخل شود و به بلایی مبتلا شود، خدا او را در آن بلاء اجری ندهد (۳).

و سید به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که می گفت که هر گاه در امری طلب خیر از حق تعالی کرده باشم، پروا ندارم که به راحت افتم یا به بلاء، و فرمود که پدرم مرا تعلیم استخاره می نمود، چنانچه سوره های قرآن، مرا تعلیم می نمود (۴).

و ایضاً از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که ما استخاره را یاد می گرفتیم، چنانچه سوره های قرآن را می آموختیم (۵).

و ایضاً به سند صحیح، از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هیچ بنده طلب خیر از خداوند عالمیان نکرده است مگر آن که خیر او را برای او میسر گردانیده است هر چند او نخواهد (۶).

و شیخ طوسی، به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که چون حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مرا به یمن فرستاد مرا وصیت کرد که

ص: ۱۲

۱- ۳) -سوره طلاق: ۳.

۲- ۴) -بحار الانوار، ۲۲۲/۹۱. از کتاب مقنعه شیخ مفید، و کتاب فتح الابواب سید بن طاووس.

۳- ۵) -محاسن برقی ص ۵۹۸ ح ۴ و بحار الانوار ۲۲۳/۹۱ از محاسن و فتح الابواب.

۴- ۶) -بحار الانوار، ۲۲۳/۹۱ از فتح الابواب سید بن طاووس.

۵- ۷) -بحار الانوار، ۲۲۴/۹۱ از همان کتاب.

۶- ۸) -بحار الانوار، ۲۲۴/۹۱ از همان کتاب.

یا علی حیران نمی شود کسی که از خدا استخاره کند، و پشیمان نمی شود کسی که با مردم مشورت کند (۱).

و بدان که بعد از طلب خیر از حق تعالی باید که هر امر که رخ نماید به آن راضی باشد، و بداند که خیر او در آن بوده است که واقع شده است، هر چند در نظر او بد نماید و موافق خواهش او نباشد.

و برقی در محاسن به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که دشمن ترین خلق خدا کسی است که خدا را متهم دارد. راوی گفت: کسی باشد که خدا را متهم دارد؟ فرمود: بلی کسی که طلب خیر از خداوند خود بکند، و بعد از آن امری که واقع شود به آن راضی نباشد، پس خدا در خیرخواهی خود یا دانستن خیر او متهم داشته (۲).

و سید بن طاووس، از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که خداوند عالم می فرماید: هر که راضی به قضای من نباشد، و شکر نعمتهای من نکند، و شکیبایی در بلای من به عمل نیاورد، پس پروردگاری به غیر من طلب کند، و هر که به قضای من راضی باشد و بر نعمتهای من شکر کند و بر بلای من صبر کند، بنویسم او را از جمله صدیقان نزد خود.

و حضرت فرمود: هر کس طلب خیر کند از خدا در امری، و یکی از دو امر برای او به عمل آید، و در دلش چیزی بوده باشد - یعنی: از عدم خشنودی، یا خیربودن آن امر، پس خدا او را متهم داشته در قضای او (۳).

و کلینی، به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که داناترین مردم به خدا، کسی است که راضی تر باشد به قضای او (۴).

ص: ۱۳

۱- ۹) - آمالی شیخ طوسی، ۱/۱۳۵.

۲- ۱۰) - محاسن برقی، ص ۵۹۸، ح ۵.

۳- ۱۱) - بحار الانوار، ۲۲۵/۹۱ از فتح الابواب.

۴- ۱۲) - اصول کافی، ۲/۶۰، ح ۲.

و به سند صحیح دیگر از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) روایت کرده است که صبر کردن و از خدا راضی بودن سر طاعت و بندگی خداست، و هر که صبر کند در بلا و راضی باشد از خدا در هر چه برای او حکم کند و مقدر گرداند، خواه موافق خواهش او باشد و خواه نباشد، پس خدا مقدر نمی گرداند برای او مگر آنچه خیر او در آن است، خواه دوست دارد و خواه مکروه او باشد (۱).

و بدان که استخاره چند نوع است:

اول: آن که در هر امری که اراده نماید به جناب مقدس الهی متوسل شود، و خیر خود را در آن امر از حق تعالی طلب نماید، و بعد از آن، آنچه روی دهد به آن راضی باشد، از میسر شدن آن امر یا میسر نشدن، و از مصالح و مفاسدی که بر شدن یا نشدن آن مترتب شود، زیرا که چون امر خود را به عالم الخفیات تفویض کرده است، باید که راضی باشد بهرچه واقع می شود، و بداند که حق تعالی خیر او را بهتر از او می داند.

دوم: آن که بعد از آن طلب خیر از خدا بکند در دل خود نظر کند، و آنچه به خاطر او می افتد به آن عمل کند.

سوم: آن که بعد از طلب خیر، مشورت کند با مؤمنی، و به آنچه آن مؤمن می گوید عمل کند.

چهارم: آن که استخاره به قرآن مجید، یا به تسبیح، یا به بنادق، یا به رقع بکند، به تفصیلی که مذکور خواهد انشاء الله. و اکثر احادیث استخاره دلالت بر قسم اول می کند.

و بعضی از علمای ما مانند شیخ مفید و ابن ادریس و محقق (رضوان الله علیهم) در جواز استخاره بغیر سه قسم اول، تردد و تأمل کرده اند، بلکه ابن ادریس، ترجیح عدم جواز داده. اما اکثر اعظام تجویز کرده اند و مستحسن دانسته اند، و در کتب فقه و دعا کیفیت انواع استخارات را ذکر کرده اند، و شیخ شهید و سید بن طاووس (علیهما الرحمه) طعن بسیار بر انکار ابن ادریس (رحمه الله) نموده اند.

ص: ۱۴

و حق آن است که چون احادیث در باب هر یک واقع شده انکار نمی توان کرد. اما عمده استخاره، آن سه شق اول است که در این زمانها متروک است.

مفتاح اول: در بیان نوع اول است اعنی استخاره مطلقه

در بیان نوع اول است اعنی استخاره مطلقه

سید علی بن طاووس به سند صحیح روایت کرده است، از ابن ابی یغفور، که گفت: شنیدم از حضرت صادق (ع) که می فرمود در بیان کیفیت استخاره: که تعظیم و تمجید و حمد خدا می کنی، و صلوات بر محمد و آل او می فرستی، پس می گوئی اللهم انی اسألك بأنک عالم الغیب و الشَّهاده الرحمن الرحیم و أنت علام الغیوب، أسخیر الله برحمته پس حضرت فرمود: که اگر امر سختی باشد که بیم در آن داشته باشی صد مرتبه بگو، و اگر امر سهلی باشد سه مرتبه بگو (۱).

مؤلف گوید: که ظاهر آن است که تکرار صد بار و سه بار در استخیر الله برحمته باشد، و اگر از اول دعا مکرر بخواند شاید بهتر باشد. و اگر پیش از دعا بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و بعد از آن، آن دعا را بخواند شاید بد نباشد.

و ایضاً، به سندهای معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هر که یک مرتبه خیر خود را از خدا بطلبد و او راضی باشد به هر چه خدا از برای او میسر گرداند، البته حق تعالی آنچه خیر اوست برای او میسر گرداند (۲).

و به سند معتبر دیگر روایت کرده است، که محمد طیار به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد که به ما رسیده است که شما فرموده اید: هر که در امری، صد

ص: ۱۵

۱- ۱۴) - بحار الانوار، ۲۵۶/۹۱ از فتح الابواب سید بن طاووس.

۲- ۱۵) - بحار الانوار، ۲۵۶/۹۱ از همان کتاب.

مرتبۀ خیر خود را از خدا بطلبد، البته خدا خیر او را به نزد او بیاورد، حضرت فرمود: که اگر یک نوبت نیز خیر خود را بطلبد، خدا او را، به خیر او برساند (۱).

و به اسانیده صحیحہ روایت کرده است، از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) کہ طلب خیر در هر رکعت از رکعات نافله نماز پیشین کردن خوب است (۲).

مؤلف گوید: کہ شاید مراد طلبیدن در سجده باشد.

و در مکارم الاخلاق و کتاب من لایحضر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند کہ در استخاره باید کہ طلب خیر خود کند از خداوند عالمیان، در سجده آخر نافله صبح، صد و یک مرتبہ به این نحو کہ بگوید: الحمد لله رب العالمین، اللهم صل علی محمد و آله پس پنجاه مرتبہ بگوید: أستخیر الله برحمته پس باز حمد و صلوات را اعاده کند و پنجاه و یک مرتبہ بگوید: استخیر الله برحمته (۳).

و سید (رضی الله عنه) این روایت را نقل کرده است و گفته است: کہ بعد از آن می گوید اللهم یا أبصر الناظرین، و یا أسمع السامعین، و یا أسرع الحاسبین، و یا أرحم الراحمین، صل علی محمد و آله، و خرلی فی الامر الذی أرد و اگر تواند به عربی حاجت خود را ذکر کند، و باز بگوید: لا اله الا العلی العظیم، لا اله الا الله الحلیم الکریم، رب بحر مه محمد و آله صل علی محمد و آله، و خرلی فی الامر الذی أردت فی الدنيا و الاخره فی عافیه و باز اگر تواند حاجت خود را ذکر کند به جای فی الامر الذی أردت.

و در مکارم الاخلاق از حضرت امیر المؤمنین (صلوات الله علیه) روایت کرده است در کیفیت استخاره، کہ دو رکعت نماز می گذارد، و بعد از نماز صد مرتبہ می گوید أستخیر الله پس می گوید اللهم انی قد هممت بأمر قد علمته، فان کنت تعلم أنه خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره لی، و ان کنت تعلم أنه شر لی فی دینی و دنیای

ص: ۱۶

۱- (۱۶) - بحار الانوار، ۲۵۷/۹۱ از همان کتاب.

۲- (۱۷) - بحار الانوار، ۲۵۷/۹۱ از همان کتاب.

۳- (۱۸) - مکارم الاخلاق، ص ۳۲۰ و من لایحضره الفقیه ۵۶۳/۱.

و آخرتی فاصرفه عنی، کرهت نفسی ذلک أم أحببت، فانک تعلم و لا اعلم و أنت علام الغیوب پس عزم می کند بر امری که اراده کرده است (۱).

و ایضاً روایت کرده است که مردی آمد به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) و گفت: فدای تو شوم گاه هست که کاری را می کنم و بعد از آن پشیمان می شوم، حضرت فرمود: که چرا استخاره نمی کنی؟ گفت: فدای تو شوم چگونه استخاره کنم؟ فرمود: که چون نماز صبح را کردی دست را بلند کن برابر روی خود و بگو اللهم انک تعلم و لا اعلم، و أنت علام الغیوب، فصل علی محمد و آل محمد، و خرلی فی جمیع ما عزمت به من اموری خیار بر که و عافیه (۲).

و ایضاً از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که چون حضرت علی بن الحسین (صلوات الله علیه) اراده حجی، یا عمره ای، یا بنده آزاد کردنی یا خریدنی یا فروختنی می کرد وضو می ساخت و دو رکعت نماز استخاره می کرد، و در رکعت اول بعد از فاتحه سوره الرحمن و در دوم سوره حشر می خواند، و بعد از نماز دویم مرتبه طلب خیر از خدا می کرد، یعنی می گفت أستخیر الله یا أستخیر الله برحمته خیره فی عافیه پس سوره قل هو الله، و قل أعوذ برب الفلق، و قل أعوذ برب الناس می خواند، پس می گفت:

اللهم انی قد هممت بأمر قد علمته، فان كنت تعلم أنه خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فاقدره لی، و ان كنت تعلم أنه شرّ لی فی دینی و دنیای و آخرتی فاصرفه عنی، رب اعزم لی علی رشدی، و ان کرهت أو أحببت ذلک نفسی، بیسم الله الرحمن الرحیم، ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله، حسبی الله و نعم الوکيه پس متوجه آن امر می شد و عزم بر آن می نمود (۳).

و سید بن طاووس (رضی الله عنه) به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام)

ص: ۱۷

۱- (۱۹) - مکارم الاخلاق، ص ۳۲۰.

۲- (۲۰) - مکارم الاخلاق، ص ۳۲۰.

۳- (۲۱) - مکارم الاخلاق، ص ۳۲۲-۳۲۳.

روایت کرده است که هر گاه کسی مطلبی از پروردگار خود خواهد طلب نماید، باید که در آن روز بر شصت مسکین تصدق کند، و هر مسکین را یک صاع گندم بدهد به صاع حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و چون شب شود در ثلث آخر شب غسل کند و جامه کنده که پست ترین عیالش پوشند بیوشد و بعوض زیر جامه لنگی بیند، پس دو رکعت نماز بجا آورد، و چون در رکعت دوم به سجده اول برود لا اله الا الله بگوید، و خدا را به عظمت و بزرگواری یاد کند.

و دور نیست که اگر بعد از ذکر سجود تسیحات اربع و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید خوب باشد، پس گناهان خود را آنچه در خاطر داشته یاد کند، و طلب مغفرت و آمرزش کند، و اگر مجمل بگوید اللهم اغفر لی ماتعلم من ذنوبی شاید بد نباشد، پس فرمود که چون سر به سجده دوم بگذارد صد مرتبه بگوید اللهم انی أستخیرک پس هر حاجت که دارد از خدا بطلبد، و هر مرتبه که به سجده رود لنگ را از زانو دور کند که زانوها به زمین برسند، و عقب لنگ را نیز میان ساقها و رانها داخل کند که مجموع زانوها و قدمهایش به خاک برسد (۱).

و علی بن ابراهیم در تفسیر و حمیری در قرب الاسناد روایت کرده اند از علی بن اسباط که گفت: رفتم به خدمت حضرت امام رضا (علیه السلام) و گفتم می خواهم به سفر مصر بروم و نمی دانم از راه دریا بروم یا از راه صحرا، حضرت فرمود: که برو به مسجد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در غیر وقت نماز واجب، و دو رکعت نماز بجا آور، و بعد از آن صد و یک مرتبه استخیر الله و به روایت حمیری صد مرتبه بگو (۲).

و أيضاً حمیری به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هر که در بالای سر مرقد منور حضرت امام حسین (صلوات الله علیه) صد مرتبه طلب خیر از خدا بکند، پس حمد و تهلیل و تسیح و تمجید و ثناء کند خدا را، البته خدا خیر

ص: ۱۸

۱- (۲۲) - بحار الانوار، ۲۵۸/۹۱ از فتح الابواب.

۲- (۲۳) - تفسیر علی بن ابراهیم، ۲۸۲/۲ و قرب الاسناد ص ۱۶۴.

او را برای او میسر گرداند، یا در دل او بیندازد (۱).

مؤلف گوید: که اگر چنین بگوید: أستخیر الله برحمته خیره فی عافیه صد مرتبه، پس بگوید لا اله الا الله الحليم الكريم، و سبحان الله، و الحمد لله رب العالمين، و لاحول و لا قوه الا بالله العلي العظيمه شاید عمل به حدیث کرده باشد. پس صلوات بفرستد و طلب خیر خود از خدا بکند، و دعائی که بعد از این مذکور است، که راوی گفت: که شنیدم از حضرت صادق (علیه السلام) که در استخاره این دعاء را می خواندند: اللهم انی أسألك بعلمک، و أستخیرک بعزتك، و أسألك من فضلک العظيم، و أنت أعلم بعواقب الامور، ان كان هذا الامر خيراً لی فی دینی و دنیای و آخرتی، فیسره لی و بارک لی فيه [و اعنی علیه-خ ل] و ان كان شراً فاصرفه عنی، و اقض لی الخیر [بالخیر حیث ما كان-خ ل] حیث کان، و رضنی به حتی لأحبّ تعجیل ما أخرت و لا تأخیر ما عجله (۲).

و کلینی و شیخ، به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که دو رکعت نماز بکن، و طلب خیر خود از حق تعالی بکن، پس به خدا سوگند می کنم که هیچ مسلمان طلب خیر از خدا نمی کند مگر آنکه البته آنچه خیر اوست خدا به نزد او می آورد (۳).

و ابن بابویه و شیخ طوسی و دیگران به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که هر که هفتاد مرتبه این دعا را برای طلب خیر از خدا بخواند، البته خدا آنچه خیر اوست برای او مقدر می گرداند، دعا این است: یا أبصر الناظرین، و یا أسمع السامعین، و یا أسرع الحاسبین، و یا أرحم الراحمین، و یا أحکم الحاکمین، صلّ علی محمد و أهل بینه، و خرلی فی الامر الذی أرد (۴).

ص: ۱۹

۱- (۲۴) - قرب الاسناد، ص ۲۸.

۲- (۲۵) - بحار الانوار، ۲۶۰/۹۱ از قرب الاسناد و فتح الابواب.

۳- (۲۶) - فروع کافی، ۴۷۰/۳ و تهذیب الاحکام: ۱۷۹/۳.

۴- (۲۷) - من لایحضره الفقیه، ۵۶۳/۱ و تهذیب الاحکام: ۱۸۲/۳.

و در مکارم الاخلاق همین روایت را نقل کرده، و در آخرش گفته است: که پس برو به سجده و صد مرتبه بگو أستخیر الله برحمته، أستقدر الله فی عافیه بقدرته پس متوجه آن کار بشو که هر چه رو می دهد خیر تو در آن است، و متهم مدار پروردگار خود را در آنچه برای تو مقدر کند، و بدان که خیر تو البته در آن است (۱).

و شیخ (رحمه الله) به سند معتبر از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) هرگاه اراده امری می کردند، مانند حج یا عمره یا فروختن یا خریدن یا بنده آزاد کردن وضو می ساخت، و دو رکعت نماز استخاره می کردند، و در آن دو رکعت سوره حشر و سوره رحمن می خواندند، پس قل أعوذ برب الفلق، و قل أعوذ برب الناس، و قل هو الله أحد می خواندند، پس این دعا را می خواندند:

اللهم ان كان الامر الذى أردت خيراً لى فى دینى و دنیای و آخرتى و عاجل امرى و آجله، فیسره لى على أحسن الوجوه و أجملها [و أكملها-خ ل] و ان كان الامر الذى أردت شراً لى فى دینى و دنیای و آخرتى و عاجل امرى و آجله، فاصرفه عنى على أحسن الوجوه، رب لى على رشدی و ان کرهت ذلك أو [و-خ ل] أبته نفسى (۲).

برقى (۳) و سید (۴) نیز این روایت را نقل کرده اند، و در دعا، اختصاری کرده اند، لهذا روایت شیخ را اختیار کردیم.

و ابن بابویه و شیخ و دیگران (رضی الله عنهم) به سند حسن از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که هرگاه یکی از شما اراده کاری بکند، پس دو رکعت نماز بکند، پس حمد کند خدا را و ثنا گوید بر او، و صلوات فرستد بر محمد و آل او و بگوید: اللهم ان كان هذا الامر خيراً لى فى دینى و دنیای، فیسره لى و قدره لى، و ان كان غير ذلك فاصرفه عنى

ص: ۲۰

۱- (۲۸) - مکارم الاخلاق، ص ۳۲۰.

۲- (۲۹) - تهذیب الاحکام، ۳/۱۸۰، ح ۲.

۳- (۳۰) - محاسن برقى، ص ۶۰۰، ح ۱۱.

۴- (۳۱) - بحار الانوار، ۲۶۳/۹۱ از فتح الابواب.

راوی پرسید که چه سوره در این دو رکعت بخوانم؟ فرمود: که هر سوره که خواهی، و اگر خواهی قل هو الله أحد و قل یا ایها الکافرون بخوان، و قل هو الله أحد در ثواب برابر است با ثلث قرآن (۱).

و ایضاً ابن بابویه و سید (رحمه الله علیهما) روایت کرده اند که محمد بن خالد قسری از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال کرد از طریق استخاره؟ فرمود: که در آخر رکعتهای نماز شب در سجده صد و یک مرتبه بگو أستخیر الله برحمته و به روایت دیگر صد مرتبه (۲).

و به سند معتبر دیگر روایت کرده اند که هرگاه حضرت صادق (علیه السلام) اراده می فرمودند که غلامی یا چهارپایی بخرند، یا امر آسانی یا حاجت سبکی داشتند صد مرتبه طلب خیر می کردند، و اقلش أستخیر الله برحمته است (۳).

و در قرب الاسناد به سند معتبر از حضرت امام موسی (علیه السلام) روایت کرده است که مردی به خدمت آن حضرت آمد و گفت: فدای تو شوم می خواهم به سفری بروم و می خواهم مرا استخاره تعلیم نمائی که اگر خیر من در این سفر باشد برای من میسر گرداند، و اگر برای من شر باشد از من بگرداند، حضرت فرمود: که می خواهی به این سفر بروی؟ گفت: آری. فرمود: که این دعا بخوان تا برای تو خیر شود اللهم قدر لی ما أردت و اجعله خیراً لی، فانک تقدر علی ذلک (۴).

و سید بن طاووس (رضی الله عنه) از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که بعد از نماز استخاره این دعا را بخوانند:

اللهم انک خلقت أقواماً یلجؤون الی مطالع النجوم، لا وقات حرکاتهم و سکونهم

ص: ۲۱

۱- (۳۲) - من لایحضره الفقیه، ۵۶۲/۱ و تهذیب الاحکام: ۱۸۰/۳-۱۸۱.

۲- (۳۳) - من لایحضره الفقیه، ۵۶۲/۱-۵۶۳ و بحار الانوار: ۲۷۷/۹۱ از فتح ابواب.

۳- (۳۴) - من لایحضره الفقیه، ۵۶۳/۱ و بحار الانوار: ۲۸۰/۹۱ از فتح ابواب و مکارم و فقیه.

۴- (۳۵) - قرب الاسناد، ص ۱۶۵، ط نجف.

و تصرّفهم و عقدهم و حلّهم، و خلقتنى أبرأ اليك من اللّجأ اليها و من طلب الاختيارات بها، و أتيقن [أيقن-خ ل] أنّك لم تطلع أحداً على غيبك فى مواقعها، و لم تسهّل له السّيل الى تحصيل أفاعيلها، و أنّك قادر على نقلها فى مداراتها فى مسيرها [سيرها-خ ل] عن السّعود العامّة و الخاصّة الى النّحوس، و من النّحوس الشّامله و المفردة الى السّعود، لأنّك تمحوها تشاء و تثبت و عندك أمّ الكتاب، و لأنّها خلق من خلقك و صنعته من صنعك [صنعك-صنعتك-خ ل] أو ما أسعدت من اعتمد على مخلوق مثله، و استمدّ الاختيار لنفسه و هم أولئك، و لا أشقيت من اعتمد على الخالق الذى أنت هو، لا اله الا أنت و حدك لا شريك لك و سألك بما تملكه و تقدر عليه، و أنت به ملئى و عنه غنى، و اليه غير محتاج، و به غير مكترث، من الخيره الجامعه للسّلامه و العافيه و الغنيمه لعدك من حدث الدّنيا التى اليك فيها ضرورته لمعاشه، و من خيرات الاخره التى عليك فيها معوّله، و أنا هو عبدك.

اللّهم فتولّ يا مولاي اختيار خير الاوقات، لحركتى و سكونى و نقضى و ابرامى و سيرى و حلولى و عقدى و حلّى، و اشدد بتوفيقك عزمى و سدّد فيه رأى، و اقدفه فى فؤادى حتّى لا يتأخّر و لا يتقدّم وقته عنى، و أبرم [و أثمر-خ ل] من قدرتك كلّ نحس يعرض بحاجز حتم من قضائك يحول بينى و بينه، و يباعده منّ فى دينى و نفسى و مالى و ولدى و اخوانى، و أعذنى به من الاولاد و الاموال و البهائم و الاعراض، و ما أحضره و ما أغيب عنه، و ما أستحبه و ما أخلفه.

و حصّينى من كلّ ذلك بعياذك من الافات و العاهات و البليات، و من التّغيير و التّبديل و التّقمات و المثلات، و من كلمتك الخالقه، و من جميع المخلوقات [المخوفات-خ ل] أو من سوء القضاء، و من درك الشّقاء، و من شماته الاعداء، و من الخطأ و الزّلل فى قولى و فعلى، و ملكنى الصّواب فيهما، بلا حول و لا قوّه الا باللّهِ علىّ العظيم، بلا حول و لا قوّه الا باللّهِ الحكيم الكريم، بلا حول و لا قوّه الا باللّهِ العزيز العظيم [العليم-خ ل] بلا حول و لا قوّه الا باللّهِ حرزى و عسكرى، بلا حول و لا قوّه الا باللّهِ سلطانى و مقدرتى، بلا حول و لا قوّه الا باللّهِ عزّى و منعتى.

اللّم أنت العالم بجوائل فكرى، و جوائس صدرى، و ما يترجّح فى الاقدام عليه

والاحجام عنه مكنون ضميرى و سرى، و أنا فيه بين حالين خير أرجوه و شر أتقيه، و سهو يحيط بى و دين أح. طه، فان أصابنى [أصابنى-خ ل] الخيره التى أنت خالقها لتهبها لى، لاحاجه بك اليها بل بجد منك على بها غنمت و سلمت، و ان أخطأتنى خسرت و عطبت.

اللهم فأرشدنى منه الى مرضاتك و طاعتك، و أسعدنى فيه بتوفيقك و عصمتك، و اقض بالخير و العافيه و السلامه التامه الشامله الدائمه لى فيه حتم أقضيتك و نافذ عزمك و مشيتك، و انى [أتى-خ ل] أبرأ اليك من العلم بالاوفق [بالارفق-خ ل] من مباديه و عواقبه و فواتحه [مفاتحه-خ ل] و خواتمه و مسالمه و معاطبه و من القدره عليه، و أقر أنه لاعام و لا قادر على سداده سواك، فأنا أستهديك و أستعينك [و أستفتيك-خ ل] و أستقصيك و أستفيك و أدعوك و أرجوك، و ما تاه من استهداك، و لاضل من استفتاك، و لا- دهى من استكفاف، و لاحال [خاب-خ ل] من دعاك، و لأخفق من رجاك، فكن لى عند أحسن ظنونى و آمالى فيك، يا ذا الجلال و الاكرام، أنك على كل شىء قدير.

و استنهضت لمهمى هذا و لكل مهم، أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، الرحمن الرحيم، مالك يوم الدين، إياك نعبد و إياك نستعين، إهدنا الصراط المستقيم، صراط الذين أنعمت عليهم، غير المغضوب عليهم، و لا الضالين. قل أعوذ برب الناس، ملك الناس، إله الناس، من شر الوسواس الخناس، الذى يوسوس فى صدور الناس، من الجنه و الناس. قل أعوذ برب الفلق، من شر ما خلق، و من شر غاسق إذا وقب، و من شر النفاثات فى العقد، و من شر حاسد إذا حسد. قل هو الله أحد، الله الصمد، لم يلد و لم يولد، و لم يكن له كفواً أحد.

پس بخوان سوره تبارك الذى بيده الملك تا آخر سوره، پس بگو: و إذا قرأت القرآن جعلنا بينك و بين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً، و جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فى آذانهم وقراً، و إذا ذكرت ربك فى القرآن وحده ولوا على أدبارهم نفوراً، أولئك هم الغافلون، أفرأيت من اتخذ إلهه هواه و أضله الله على علم و ختم على سمعه و قلبه و جعل على بصره غشاوة فمن يهديه من بعد الله أفلا

تذكرون، و من أظلم ممن ذكر بآيات ربه فأعرض عنها و نسى ما قدمت يداه إنا جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فى آذانهم وقراً و إن تدعهم إلى الهدى فلن يهتدوا إذا أبدا، الذين قال لهم الناس إن الناس قد جمعوا لكم فاحشواهم فزادهم إيماناً، و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل فأنقلبوا بنعمه من الله و فضل لم يمسسهم سوء و اتبعوا رضوان الله و الله ذو فضل عظيم، فاضرب لهم طريقاً فى البحر يبساً لا تخاف دركاً و لا تخشى، لا تخافا إني معكما أسمع و أرى.

تَذَكَّرُونَ ، وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَ نَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ، الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا ، وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلِ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ، فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَ لَا تَخْشَى ، لَا تَخَافُ إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى .

و استنهضت لمهمی هذا و لكلّ مهمّ أسماء الله العظام و كلماته التّوأمّ و فواتح سور القرآن و خواتیمها و محکّماتها و قوارعها و کلّ عوده تعوذ بها نبیّ أو صديق حم شاهت الوجوه وجوه أعدانی فهم لا يبصرون، و حسبی الله ثقه و عدّه و نعم الوکیل، و الحمد لله ربّ العالمین، و صلواته علی سیدنا محمد رسوله و آله الطاهرين (۱).

مؤلف گوید: که اگر در ابتدای سور معوذتین و قل هو الله نیز بسم الله الرحمن الرحيم را اعاده کند شاید بد نباشد، و از فحوای دعا ظاهر می شود که از برای دفع شر اعدای نیز این دعا را خواندن مناسب است.

و ایضاً سید (رضی الله عنه) به سند معتبر روایت کرده است که از حضرت امام رضا (علیه السلام) که روایت کرد از پدرش از حضرت امام جعفر (صلوات الله علیهما) که هر که این دعا را بخواند در کاری که اراده کند نیند در عاقبت آن کار مگر آنچه خواهد و دوست دارد، و دعا این است:

اللَّهُمَّ اِنَّ خَيْرَتَكَ تَنْبِيلُ الرِّغَائِبِ، وَ تَجْزِلُ المَوَاهِبِ، وَ تَطْيِبُ المَكَّاسِبِ، وَ تَغْنَمُ المَطَالِبِ، وَ تَهْدِي اِلَى اَحْمَدِ العَوَاقِبِ، وَ تَقِي مِنَ مَحْذُورِ التَّوَائِبِ، اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَخِيرُكَ فِيمَا عَقَدَ عَلَيْهِ رَأْيِي وَ قَادَنِي اِلَيْهِ هَوَايَ، فَاسْأَلُكَ يَا رَبَّ أَنْ تَسَهِّلَ لِي مِنَ ذَلِكَ مَا تَعَسَّرَ، وَ أَنْ تَعْجَلَ لِي مِنَ ذَلِكَ تَيْسِيرًا، وَ أَنْ تَعْطِنِي يَا رَبَّ الظَّفَرَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ فِيهِ وَ عَوْنًا بِالْاِنْعَامِ فِيمَا دَعَوْتُكَ، وَ أَنْ تَجْعَلَ يَا رَبَّ بَعْدَهُ قَرْبًا، وَ خَوْفَهُ أَمْنًا، وَ مَحْذُورَهُ سَلْمًا، فَانْكَ تَعْلَمُ وَ لَا

ص:

أعلم و تقدر و لا أقدر، و أنت علام الغيوب، اللهم ان يكن هذا الامر خيراً لى فى عاجل الدنيا و [آجل-خ ل] الاخره، فسهله لى و يسره علىّ، و ان لم يكن فاصرفه عنى و اقدر لى فيه الخيره، أنك على كل شىء قدير، يا أرحم الراحمين (۱).

و ايضاً سيد (رحمه الله) روايت کرده است، از محمد بن مظفر كه آخر فرمانى كه از حضرت صاحب الامر (صلوات الله عليه) بيرون آمد اين دعای استخاره بوده كه بايد به آن عمل كنند، و در نمازهاى حاجت نيز مى توان خواندن، و دعا اين است: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم انى أسالك باسمك الذى عزمت به على السماوات والارض، فقلت لهما اتينا طوعاً أو كرها قالتا أتينا طائعين، و باسمك الذى عزمت به على عصا موسى، فاذا هى تلقف ما يأفكون. و أسالك باسمك الذى صرفت به قلوب السحرة اليك حتى قالوا آمنا برّب العالمين [رّب موسى و هارون أنت الله ربّ العالمين-خ ل] أو أسالك بالقدره التى تبلى بها كلّ جديد و تجدد بها كلّ بال، و أسالك بكلّ حقّ هو لك و بكلّ حقّ جعلته عليك، ان كان هذا الامر خيراً لى فى دنيى و دنياى و آخرتى أن تصلى على محمد و آل محمد، و تسلّم عليهم تسليماً، و تهنّئه [تهنّئه-خ ل] الى و تسهّله علىّ، و تطف لي فيه برحمتك يا ارحم الراحمين، و ان كان شراً لى فى دنيى و دنياى و آخرتى أن تصلى على محمد و آل محمد [و آله-خ ل] أو تسلّم عليهم تسليماً، و أن تصرفه عنى بما [بم-خ ل] شئت و كيف شئت، و ترضينى بقضائك، و تبارك لى فى قدرك، حتى لأحبّ تعجيل شىء آخرته، و لاشىء عجلته، فأنه لاحول و لا قوه الا بك، يا علىّ يا عظيم يا ذا الجلال و الاكرام (۲).

و شيخ طوسى (عليه الرحمه) در مجالس روايت کرده است از امام على نقى (عليه السلام) كه حضرت صادق (عليه السلام) فرمود كه پدرم (صلوات الله عليه) در استخاره اين دعا را مى خواند:

اللهم انّ خيرتك تنيل الرغائب، و تجزل المواهب، و تغنم المطالب، و تطيب

ص: ۲۵

۱- (۳۷) - بحار الانوار، ۲۷۵/۹۱ از فتح الابواب سيد.

۲- (۳۸) - بحار الانوار، ۲۷۶/۹۱ از فتح الابواب سيد.

المكاسب، و تهدي الى أحمد العواقب، و تقى محذور التَّوائب، اللهم يا مالک الملوك أستخیرک فيما عزم رأیی علیه و قادنی هوای [یا مولای-خ ل] الیه، فسهل من ذلك ما توَعَّر، و یَسِّر منه ما تعسَّر، و اکفنی فی استخارتی المهمَّ، و ادفع عَنی کلَّ ملَمَّ، و اجعل عاقبه امری غنماً، و محذوره سلماً، و بعده قرباً، و جد به خصباً، أعطنی یا ربِّ لواء الظفر فيما استخرتک فيه، و قرر الانعام فيما دعوتک له، و منَّ علیَّ بالافضال فيما رجوتک، فأنک تعلم و لا أعلم، و تقدر و لا أقدر، و أنت علام الغیوب (۱).

و شیخ کفعمی (رحمه الله علیه) در کتاب بلد الامین از حضرت امام رضا (صلوات الله علیه) از جمله ادعیه و سائل این دعا را برای استخاره روایت کرده است:

اللَّهُمَّ انَّ خیرتک فيما أستخیرک فيه تنیل الرغائب، و تجزل المواهب، و تغنم المطالب، و تطیب المكاسب، و تهدي الى أجمل المذاهب، و تسوق الى أحمد العواقب، و تقى مخوف التَّوائب. اللهم انی أستخیرک فيما عزم رأیی علیه و قادنی عقلي الیه، فسهل اللهم منه ما توَعَّر، و یَسِّر منه ما تعسَّر، و اکفنی فيه المهمَّ، و ادفع عَنی کلَّ ملَمَّ، و اجعل ربَّ عواقبه غنماً، و خوفه [مخوفه-خ ل] سلماً، و بعده قرباً، و جد به خصباً، و أرسل اللهم اجابتی، و أنجح طلبتی، و اقض حاجتی، و اقطع عوائقها، و امنع بوائقها، و أعطنی اللهم لواء الظفر بالخیره فيما استخرتک، و وفور الغنم فيما دعوتک، و عوائد الافضال فيما رجوتک. و اقرنه اللهم بالنجاح و حطه بالصَّلاح، و أرني أسباب الخیره و اضححه، و اعلام غنمها لائحته، و اشدد خناق تعسِّرها، و انعش صریع تیسرها. و بین اللهم ملتبسها، و أطلق محتبسها، و مکن أسئلتها حتى تكون خیره مقبله بالغنم، مزيله للغرم، عاجله النفع، باقيه الصنع، انک ولیّ المزيد مبتدیء بالوجود (۲).

و در محاسن برقی از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که هر که طلب خیر از خدا کند باید که عددش طاق باشد (۳).

ص: ۲۶

۱- (۳۹) - امالی شیخ طوسی، ۱/۲۹۹.

۲- (۴۰) - البلد الامین، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۳- (۴۱) - محاسن برقی، ص ۵۹۹ ح ۶.

و ايضاً از حضرت صادق (عليه السلام) روايت کرده است که پدرم هرگاه اراده استخاره می کرد وضو می ساخت و دو رکعت نماز می کرد و مشغول استخاره می شد، و اگر در اثنای استخاره کسی با او سخن می گفت سبحان الله می گفت و سخن با کسی نمی گفت تا فارغ می شد (۱).

و ايضاً در محاسن و مکارم روايت کرده اند که در استخاره اين دعا بخوانند:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ، وَ اَسْتَقْدِرُكَ الْخَيْرَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ، لِاَنَّكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، فَاسْأَلُكَ اَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ وَ آلِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ هَذَا الْاَمْرُ الَّذِي اُرِيدُهُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي فَيَسِّرْهُ لِي، وَ اِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَ اصْرِفْنِي عَنْهُ (۲).

و ايضاً هر دو از آن حضرت روايت کرده اند که فرمود بعضی از پدران من در استخاره اين دعا می خواندند: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ، اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ، وَ اَسْتَقْدِرُكَ الْخَيْرَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ، لِاَنَّكَ تَقْدِرُ وَ لَا اَقْدِرُ، وَ تَعْلَمُ وَ لَا اَعْلَمُ، وَ اَنْتَ عَلَامُ الْغَيْبِ، اللَّهُمَّ فَمَا كَانَ مِنْ اَمْرٍ هُوَ اَقْرَبُ مِنْ طَاعَتِكَ وَ اَبْعَدُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَ اَرْضَى لِنَفْسِكَ وَ اَقْضَى لِحَقِّكَ، فَيَسِّرْهُ لِي وَ يَسِّرْنِي لَهُ، وَ مَا كَانَ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَ اصْرِفْنِي عَنْهُ، فَانَّكَ لَطِيفٌ لَذَلِكَ وَ الْقَادِرُ عَلَيْهِ (۳).

و در محاسن به سند معتبر روايت کرده است که حضرت امام محمد باقر (عليه السلام) فرمود: که هرگاه امر عظيمی را اراده کنم صد مرتبه طلب خير خود از حق تعالی می کنم، و اگر غلام خريدن يا مانند آن باشد سه مرتبه طلب خير می کنم می گويم:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِاَنَّكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ الْاَمْرَ الَّذِي اُرِدْتُ خَيْرٌ لِي فَخِرْهُ لِي وَ يَسِّرْهُ، وَ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي اِلَى مَا هُوَ خَيْرٌ لِي، وَ رَضِّنِي فِي ذَلِكَ بِقَضَائِكَ، فَانَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا اَعْلَمُ، وَ تَقْدِرُ وَ لَا اَقْدِرُ،

ص: ۲۷

۱- (۴۲) - محاسن برقی، ص ۵۹۹ ح ۸.

۲- (۴۳) - محاسن برقی، ص ۵۹۹، ح ۹ و مکارم الاخلاق: ص ۳۲۳.

۳- (۴۴) - محاسن برقی، ص ۵۹۹، ح ۱۰ و مکارم الاخلاق: ص ۳۲۴.

و تقضی و لا افضی، انک علام الغیوب (۱).

مؤلف گوید: که ظاهرش آن است که پیش از این دعا صد مرتبه یا سه مرتبه استخیرالله برحمته بگویند و بعد از آن این دعا را بخوانند، و احتمال دارد که همین دعا را مکرر بخوانند.

و ایضاً به سند معتبر دیگر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که می گوئی در دعای استخاره: استخیرالله و استقدر الله و اتوکل علی الله، و لاحول و لا قوه الا بالله، أردت أمراً فأسأل الهی ان کان ذلک له رضاً أن یقضی لی حاجتی، و ان کان له سخطاً أن یصرفنی عنه و أن یوفقنی لرضاه (۲).

و کلینی و شیخ و سید (رضی الله عنهم) به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که دو رکعت نماز بکن و طلب خیر از علام الغیوب بکن، پس به خدا سوگند یاد می کنم که هر مسلمان که خیر خود را از خدا بطلبد البته آنچه خیر اوست به نزد او می آورد (۳).

و سید و کفعمی و دیگران به چندین سند از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده اند که حضرت امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) فرمود: که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) را سری بود که کم کسی بر آن مطلع شد، و می گفت و من نیز می گویم که لعنت خدا و ملائکه و صالحان خلق خدا بر کسی باد که افشای سرّ آن حضرت نماید، مگر نزد کسی که اعتماد بر او داشته باشد.

پس کتمان کنید راز آن حضرت را، بدرستی که شنیدم می فرمود: که یا علی به خدا سوگند یاد می کنم که نمی گویم بتو مگر آنچه گوشهای من شنیده و دل من حفظ کرده و دیده من به سوی آن نظر کرده، پس زنهاری یا علی سرّ مرا فاش مکن، به درستی که من از خداوند خود استدعا کرده ام که هر که افشای سرّ من بکند نزد غیر محرم اسرار من بچشاند

ص: ۲۸

۱- (۴۵) - محاسن برقی: ص ۶۰۰، ح ۱۲.

۲- (۴۶) - محاسن برقی، ص ۶۰۰، ح ۱۳.

۳- (۴۷) - فروع الکافی، ۳/۴۷۰ و تهذیب الاحکام: ۱۷۹/۳.

پس فرمود: که یا علی بسیاری از مردم اگر عمل کنند به آنچه من می گویم در نهایت مرتبه عبادت خواهد بود هر چند عبادت ایشان کم نماید، و اگر نه ترس آن داشتم که طاغیان این امت دین مرا ضایع کنند هر آینه این سر را فاش می کردم و به همه کس می گفتم، لهنذا نمی خواهم که غیر کسی که محل اعتماد باشد بداند.

بدان که در شب معراج چون به آسمان هفتم رسیدم نظر کردم به سوی فرجه ای از عرش الهی که نور از آن می جوشید مانند دیگری که در جوش باشد، پس چون خواستم برگردم مرا نزد آن فرجه نشانیدند، و ندا به من رسید که ای محمد پروردگارت تو را سلام می رساند و می گوید که تو گرامی ترین خلقی نزد او، و نزد او علمی است که از جمیع پیغمبران و امتهای ایشان پنهان داشته است بغیر تو و هر که را به پسندی تو از امت تو، و کسی که او به پسندد بعد از خود، و چون این دعاها را بخوانند گناهان گذشته ایشان بر طرف شود، و بعد از آن از گناه نترسند، و به این سبب امر می کنم تو را به کتمان آن، تا آن که عمل کنندگان اکتفا به این نکنند و دست از سایر طاعات بردارند.

پس در ضمن دعاها فرمود: که یا محمد، هر که او را دو امر پیش آید و خواهد که از برای او اختیار کنم هر یک را که نزد من پسندیده تر است، پس وقتی که اراده آن امر می کند این دعا را بخواند:

اللهم اختر لي بعلمك، و وفقني لرضاك و محبتك، اللهم اختر لي بقدرتك و جنبني بعزتك مقتك و سخطك، اللهم اختر لي فيما أريد من هذين الأمرين - و نام می بری از آن دو امر را - أسرها الي، و أحبهما اليك، و اقربهما منك، و أرضا همالك، اللهم اني أسالك بالقدرة التي زويت بها علم الاشياء كلها عن جميع خلقك، فانك عالم بهوای و سریرتی و علانیتی، فصل علی محمد و آله، و اسفع بناصیتی الي ما تراه لك رضا و لي صلاحاً فيما استخرتك فيه حتى تلزمني من ذلك أمراً أرضي فيه بحكمك، و أتكل فيه علی قضائك، و اکتفی فيه بقدرتك، و لاتلبنی و هوای لهواك مخالف، و لا ما أريد لما تريد لي بجانب، اغلب بقدرتك التي تقضى بها ما أحببت علی من احببت بهواك هوای،

و يسّرني لليسرى التي ترضا بها عن صاحبها، و لاتخذلني بعد تفويضي اليك أمرى، برحمتك التي وسعت كل شيء، اللهم أوقع خيرتك في قلبي، وافتح للزومها يا كريم، آمين رب العالمين پس هرگاه اين دعا بخواند من اختيار مى كنم براى او منافع او را در دنيا و آخرت (۱).

و سيد، به سند موثق از زراره روايت کرده است كه گفت: به حضرت امام محمد باقر (عليه السلام) عرض كردم كه هرگاه اراده كارى داشته باشم و خواهم طلب خير خود از پروردگار خود بكنم چگونه بگويم؟ حضرت فرمود: كه هرگاه اراده استخاره داشته باشى روز سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه را روزه بدار، پس در روز جمعه در مكان پاكيه اى دو ركعت نماز بكن، پس نظر كن بجانب آسمان و صد مرتبه بگو:

اللهم انى اسالك بأنك عالم الغيب و الشهاده الرحمن الرحيم، أنت عالم الغيب، ان كان هذا الامر خيراً لى فيما أحاط به علمك، فيسره لى و بارك فيه و افتح لى [لى به - خ ل] بابه، و ان كان ذلك شراً لى فيما أحاط به علمك، فاصرفه عني بما تعلم، فانك تعلم و لا اعلم، و تقدر و لا أقدر، و تقضى و لا أقضى، و أنت علام الغيوب (۲).

و ايضاً به سند معتبر از كتاب دلائل حميرى روايت کرده است، از محمد بن سهل قمى كه گفت: من در مكه معظمه مجاور بودم، پس رفتم به مدينه و به خدمت حضرت امام محمد تقى (عليه السلام) مشرف شدم، و اراده داشتم كه از حضرت سؤال كنم از براى شرف و كرامت جامه را كه بپوشم و ميسر نشد كه سؤال كنم تا وداع كردم و بيرون آمدم، و خواستم كه از مدينه بيرون روم، باز به خاطر مرسيد كه عريضه به خدمت حضرت بنويسم و جامه را سؤال كنم، چون ترددى داشتم عريضه را نوشتم و رفتم به مسجد حضرت رسول (صلى الله عليه و آله) و دو ركعت نماز استخاره كردم، و بعد از آن صد مرتبه طلب خير از خدا كردم، پس در دلم افتاد كه نامه را نفرستم، نامه را دريدم و از مدينه بيرون رفتم، چون روانه شدم ديدم كه خادم آن حضرت در ميان قطارها

ص: ۳۰

۱- (۴۸) - بحار الانوار، ۲۶۷/۹۱-۲۶۸ از فتح الابواب سيد، و مصباح كفعمى، ص ۳۹۴-۳۹۵.

۲- (۴۹) - بحار الانوار، ۲۷۸/۹۱ از فتح الابواب سيد.

می گردد و سؤال از مکان من می کند، چون به من رسید دستمالی به من داد که دو پارچه بسیار خوش قماش نازک در میان آن پیچیده بود، و گفت: مولای تو این جامه ها را برای تو فرستاده است، پس احمد بن محمد بن عیسی راوی حدیث گفت: که در آن زودی محمد بن سهل به رحمت خدا رفت، و من او را غسل دادم و در همان جامه ها که حضرت فرستاده بودند او را کفن کردم (۱).

مؤلف گوید: که در این حدیث چندین معجزه از آن جناب ظاهر شده:

اول: آن که حضرت دانسته که در خاطر او بوده که جامه طلب کند برای او فرستادند.

دوم: آن که اشعار فرمودند که اجل او نزدیک شده احتیاج به جامه دوخته ندارد.

سوم: آن که جامه ها به عدد اثواب ضروری کفن برای او فرستادند، زیرا که می دانستند که در کفن به آنها محتاج خواهد شد.

و سید (رحمه الله) این حدیث را برای آن نقل کرده است که استخاره و نماز آن به این نحو میان محدثین شیعه مشهور و معروف بوده، و این حدیث به مفتاح آینده انسب است.

و شیخ مفید (علیه الرحمه) در مسائل عزیه گفته است: که از برای استخاره نماز مقرر هست، و آن دو رکعت است با هر سوره که خواهد، و بعد از سلام حمد و ثنای خدا بگو و صلوات بر محمد و آل بفرستد و بگوید:

اللهم انی استخیرک بعلمک و قدرتک، و استخیرک بعزّتک، و أسالک من فضلک، فانّک تقدر و لا أقدر، و تعلم و لا اعلم، و أنت علام الغیوب. اللهم ان کان هذا الامر الذی عرض لی خیراً فی دینی و دنیای و آخرتی، فیسره لی و بارک لی فیهِ و أعنی علیه، و ان کان شراً فاصرفه عنی و اقص لی الخیر حیث کان، و رضنی به حیث لأحبّ تعجیل ما أخرت و لا تأخیر ما عجلت و اگر خواهد بگوید: اللهم خری فیما عرض لی، و اقص لی بالخیره فیما وفقتنی له منه [منک - خ ل] برحمتک یا أرحم الراحمین (۲).

ص: ۳۱

۱- (۵۰) - بحار الانوار، ۲۷۶/۹۱ از فتح الابواب سید.

۲- (۵۱) - بحار الانوار، ۲۲۹/۹۱ از رساله عزیه.

و شیخ طوسی (علیه الرحمه) در کتاب مبسوط و نهاییه گفته است: که سنت است آدمی در امری که اراده کند دو رکعت نماز بکند، و هر سوره که خواهد در آن دو رکعت بخواند، و قنوت در رکعت دوم بخواند، و بعد از سلام هر دعا که داند بخواند و مطلب خود را بطلبد، پس به سجده رود و صد نوبت بگوید: أستخیر الله فی جمیع أموری (۱).

و ابن ادریس (۲) و ابن البراج (۳) (رحمهما الله) نیز نزدیک به این، گفته اند.

و سید، به سند صحیح از محمد بن مسلم روایت کرده است که اراده شام کردم و حضرت صادق (علیه السلام) مرا امر کرد که این دعا بخوانم: اللهم اکان هذا الوجه الذی هممت به خيراً لی فی دینی و دنیای و عاقبه امری و لجمیع المسلمین، فیسره و بارک لی فیهِ، و ان کان ذلک شراً لی فاصرفه عنی الی ما هو خیر لی منه، فانک تعلم و لا اعلم، و تقدر و لا أقدر، و أنت علام الغیوب پس صد مرتبه بگویم أستخیر الله چون چنین کردم رفتن به شام برطرف شد و همان تهیه را صرف سفر حج کردم. و ایضاً راوی گفت: که أستخیر الله را در امر عظیم صد و یک مرتبه بگوید، و در امر سهل ده مرتبه (۴).

و ابن براج (قدس سره) در مذهب گفته است: که بهترین انواع استخاره آن است که دو رکعت نماز بجا آورد چنانچه سایر نوافل را می کند، و قنوت در رکعت دوم بخواند، و در سجده آخر نماز صد مرتبه بگوید: أستخیر الله پس بگوید: لا اله الا الله الحلیم الکریم، لا اله الا الله العلیّ العظیم، ربّ بحق محمد و آل محمد، صلّ علی محمد و آل محمد، و خرلی فی الامر الذی أردت (۵).

مؤلف گوید: که احادیث در این نوع استخاره بسیار است، و چون بعضی با آنچه

ص: ۳۲

۱- (۵۲) - المبسوط، ۱/۱۳۳. و النهایه ص ۱۴۲.

۲- (۵۳) - السرائر، ص ۶۹.

۳- (۵۴) - مذهب ابن براج، ۱/۱۴۹-۱۵۰.

۴- (۵۵) - بحار الانوار، ۲۸۲/۹۱. از فتح الابواب سید.

۵- (۵۶) - مذهب ابن ابرج، ۱/۱۵۰.

مذکور شد اختلاف یسیری داشت به همین اکتفا نمود، و به هر یک از اینها که ذکر کردیم اگر عمل کند خوب است، و اگر بعضی را با بعضی ضم کند تماماً خواهد بود.

و از جمله دعاها که مناسب این نوع است دعای صحیفه کامله است و آن این است:

اللهم انى أستخيرك بعلمك، فصلّ على محمد و آله، واقض لنا بالخيره، وألهمنا معرفه الاختيار، واجعل ذلك ذريعه الى الرضا بما قضيت لنا و التسليم لما حكمت، فأزح عنّا ريب [أهل-خ] [الارتياح]، و أيدنا بيقين المخلصين، و لا- تسمنا عجز المعرفة عمّا تخيرت، فنغمط قدرك و نكره موضع رضاك، و نجنح الى التي هي أبعد من حسن العاقبه و أقرب الى ضد العافيه، حبّب لنا ما نكره من قضائك، و سهل علينا ما نستصعب من حكمك، و ألهمنا الانقياد لما أوردت علينا من مشيتك، حتى لانحبّ تأخير ما عجلت و لاتعجيل ما أخرت، و لانكره ما أحببت و لانتخير ما كرهت، و اختم لنا بالتي هي احمد عاقبه و أكرم مصيراً، أنك تفيد الكريمه و تعطى الجسيمه، و تفعل ما تريد و أنت على كلّ شيء قدير (۱).

و ظاهراً در قسم دوم نیز خواندن مناسب باشد، و در اقسام دیگر بعید است.

مفتاح دوم: در بین نوع دوم استخاره است

در بین نوع دوم استخاره است

که بعد از عمل استخاره رجوع به قلب خود کند و آنچه در خاطرش رجحان به هم رسانیده به آن عمل نماید.

چنانچه شیخ طوسی (قدس الله روحه) در کتاب اقتصاد گفته است: که کسی

ص: ۳۳

که اراده امری کند سنت است که غسل کند و دو رکعت نماز به جا آورد، و بعد از آن به سجده رود و صد مرتبه بگوید
أستخیر الله تعالی فی جمیع اموری کُلّها خیره فی عافیه پس آنچه در دلش افتد به آن عمل کند (۱).

و کلینی و شیخ و سید و طبرسی (رحمهم الله) به سند کالصحیح روایت کرده اند که ابن اسباط اراده مصر داشت و در راه
دریا و صحرا متردد بود، حضرت امام رضا (صلوات الله علیه) فرمود: که برو به سجده در غیر وقت نماز واجب، و دو رکعت نماز
بکن، و صد مرتبه طلب خیر خود از خدا بکن، و آنچه در دلت می افتد به آن عمل کن (۲).

و به روایت علی بن ابراهیم صد و یک مرتبه أستخیر الله بگوید (۳) و اگر أستخیر الله برحمته خیره فی عافیه بگوید بهتر است.

و شیخ (رحمه الله) در مجالس به سند معتبر از حضرت امام علی نقی (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت صادق (صلوات
الله علیه) فرمود: که هرگاه یکی از شما را حاجتی عارض شود باید که مشورت با پروردگار خود بکند، گفتند: چگونه مشورت
کند؟ فرمود: که بعد از نماز فریضه به سجده رود و صد مرتبه بگوید اللهم خرلی پس متوسل شود به ما و صلوات فرستد بر ما و
ما را شفیع گرداند در درگاه خدا، پس آنچه حق تعالی به دلش می اندازد به آن عمل کند (۴). و این مطالب را اگر به فارسی
بگوید نیز خوبست.

و اگر بگوید که: اللهم انی أتوسل الیک بنبیک نبی الرحمة محمد و أهل بیته الطاهرين، و أتوجه بهم الیک أن تصلی علی محمد
و آل محمد، و أن تلهمنی ما هو خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی خیره فی عافیه، برحمتک یا أرحم الراحمین ظاهراً خوب
باشد.

ص: ۳۴

۱- (۵۸) - الاقتصاد، ص ۲۷۴.

۲- (۵۹) - فروع کافی، ۳/۴۷۱، ح ۴ و تهذیب الاحکام: ۳/۱۸۰ و بحار: ۹۱/۲۶۴ و مکارم الاخلاق: ص ۳۲۱.

۳- (۶۰) - فروع کافی، ۳/۴۷۱ ح ۵.

۴- (۶۱) - امالی شیخ طوسی، ۱/۲۸۱.

و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که هرگاه امری را اراده کنی دو رکعت نماز بکن و صد مرتبه أستخیر الله بگو پس بگو: لا اله الا الله العلی العظیم، لا اله الا الله الحلیم الکریم، رب بحق محمد و علی خلی فیما أردت للدنیا و الآخره خیره من عندک لک فیہ رضا ولی فیہ صلاح فی خیر و عافیة، یا ذالمن و الطول پس آنچه رأیش بر آن قرار گیرد به عمل آورد (۱).

و سید (رضی الله عنه) به سندهای صحیح و معتبر روایت کرده است که مردی به حضرت امام محمد جواد (علیه السلام) عرضیه در باب فروختن ملکی نوشت، در جواب نوشتند: که دو رکعت نماز به جا آور و بعد از آن صد مرتبه طلب خیر خود از خدا بکن، و در اثنای استخاره با کسی سخن مگو تا صد مرتبه تمام شود، پس اگر در دلت بیفتد فروختن آن ملک بفروش (۲).

و دیلمی در فردوس الاخبار روایت کرده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به انس گفت: که هر وقت که امری را اراده کنی هفت مرتبه طلب خیر از پروردگار خود بکن، پس آنچه در دل تو بیفتد بکن که خیر تو در آن است (۳).

و ایضاً در صحاح عامه از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده اند که حضرت رسالت پناه (صلی الله علیه و آله) استخاره را تعلیم ما می کرد چنانچه سوره قرآن را تعلیم می کرد و می گفت: که هر یک از شما که امری را قصد نماید دو رکعت نماز بکند در غیر وقت نماز واجب، پس بگوید:

اللهم انی استخیرک بعلمک، و أستقدرک بقدرتک، و أسالک من فضلک العظیم، فانک تقدر و لا أقدر، و تعلم و لا أعلم، و أنت علام الغیوب. اللهم ان کنت تعلم أن هذا الامر خیر لی فی دینی و معاشی و عاجل امری و آجله، فاقدره لی و یسره لی ثم بارک لی فیہ. اللهم و ان کنت تعلم أن هذا الامر شرّ لی فی دینی و معاشی و عاجل امری و آجله،

ص: ۳۵

۱- (۶۲) - فقه الرضا، ص ۱۵۲.

۲- (۶۳) - بحار الانوار، ۲۶۴/۹۱ از فتح الابواب.

۳- (۶۴) - بحار الانوار، ۲۶۵/۹۱ از همان کتاب.

فاصرفه عنى و اصرفى عنه، واقدر لى الخير حيث كان و رضى به و حاجت خود را نام ببرد! (۱)

و شيخ مفيد در مقنعه و على بن بابويه در رساله گفته اند: که هرگاه امرى را اراده کنى دو رکعت نماز بکن و صد و یک مرتبه أستخیر الله برحمته بگو و این دعا بخوان:

لا اله الا الله العلى العظيم، لا اله الا الله الحليم الكريم، رب بحق محمد و آل محمد صل على محمد و آله، و خرلى فيما أردت للدنیا و الآخرة خيره منك ف عافيه پس هرچه بر آن عزم کنى به عمل آور. (۲)

و کلینى و شیخ و سید و غیر ایشان به سند معتبر روایت کرده اند که اسحاق بن عمّار، به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد که بسیار واقع می شود که امرى را اراده می کنم، و بعضى مرا امر می کنند به آن و بعضى نهى می کنند، حضرت فرمود: که هرگاه چنین باشد دو رکعت نماز بکن و صد و یک مرتبه طلب خیر از خدا بکن، پس نظر کن که کدام یک در دل تو راجح است، پس آن را بکن که ان شاء الله خیر تو در آن است، و باید که طلب خیر را در عافیت بکنى، یا آن که بگویی: أستخیر الله برحمته خیره فى عافیه زیرا که بسا باشد که خیر آدمى در بریدن دست او باشد، یا در مردن فرزند او، یا در رفتن مال او، یعنی: هرچند خیر در اینها باشد اما چون اکثر خلق صبر بر این بلاها نمى توانند کرد و حق تعالى قادر است بر آن که خیر را در امرى قرار دهد که مقرون به عافیت از این بلاها باشد، پس در دعا باید که شرط عافیت بکند. (۳)

و سید به سند صحیح از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که هر بنده که صد مرتبه طلب خیر از حق تعالى بکند البته آنچه خیر اوست در دلش می افتد می گوید: اللهم عالم الغیب و الشّهاده ان کان ما أردت خیرا لامر دنیای و آخرتى و عاجل امرى و آجله، فیسره لى و افتح لى بابه و رضى فيه بقضائك (۴).

ص: ۳۶

۱- (۶۵) - بحار الانوار، ۲۶۵/۹۱. از همان کتاب.

۲- (۶۶) - مقنعه، شیخ مفید، ص ۳۶. و بحار الانوار: ۲۷۶/۹۱.

۳- (۶۷) - فروع کافى، ۴۷۲/۳، ج ۷، تهذیب الاحکام: ۱۸۱۸/۳، ج ۵. و بحار الانوار: ۲۷۷/۹۱.

۴- (۶۸) - بحار الانوار، ۲۷۸/۹۱. از فتح الابواب.

و در عیون اخبار الرضا از آن حضرت (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت صادق (صلوات الله علیه) فرمود: در استخاره که بعد از نماز فریضه به سجده می رود و صد مرتبه می گوید: اللهم خرلی پس متوسل می شود به رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم، و صلوات برایشان می فرستد و ایشان را شفیع خود می گرداند، پس آنچه بعد از آن خدا او را الهام کند عمل به آن می کند، زیرا که البته از جانب حق تعالی است. (۱)

مفتاح سوم: استخاره به جناب مقدس الهی است با مشورت کردن با مؤمنان

استخاره به جناب مقدس الهی است با مشورت کردن با مؤمنان

بدان که مشورت کردن با برادران مؤمن عاقل، از اهم امور است، و تاکید بسیار در آیات و اخبار در آن وارد شده است، چنانچه حق تعالی برای تعلیم سایر بندگان و تألیف قلوب مؤمنان و امتحان منافقان حضرت رسالت پناه (صلی الله علیه و آله) را که صاحب عقل کل بود و خاطر مقدسش اسرار وحی الهی و مشرق انوار الهامات نامتناهی بود خطاب نمود که... و شاورهم فی الامر فاذا عزم فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین (۲). یعنی: با صحابه، مشورت کن در امر جهاد و غیر آن که اراده می نمایی، پس چون عزم کنی بر آنچه ما بر زبان ایشان جاری می سازیم و به خاطر مقدس تو می اندازیم، پس توکل کن بر خدا و کار خود را به او بگذار و اعتماد بر غیر او مکن، بدرستی که خدا دوست می دارد آنها را که در همه امور بر خداوند خود توکل می کنند.

بدان که امر آن حضرت به مشوره برای تعلیم سایر بندگان و تطیب خاطر مؤمنان و مصالح بسیار، دیگر باز امر فرمود به توکل و اعتماد بر جناب مقدس او، و تفویض امور

ص: ۳۷

۱- (۶۹) - بحار الانوار، ۹۱/۲۷۸. از همان کتاب.

۲- (۷۰) - سوره آل عمران: ۱۵۹.

خود به علم کامل و لطف شامل او، پس با ارتکاب مشورت باید که اعتماد بر آرای خلق نکند و خیر خود را از علام الغیوب طلب کند، تا آنچه خیر اوست حق تعالی بر زبان ایشان جاری گرداند.

و ایضاً در جای دیگر فرموده است وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ .
(۱) پس مدح کرده است جماعتی را که اجابت می کنند پروردگار خود را در هر امری از امور دین که ایشان را به سوی آن می خواند و نماز را برپا می دارند در اوقات فضیلت با شرائط و آداب آن و کار ایشان مشوره است در میان ایشان. یعنی: مستبد به رأی خود نمی باشند، و در هر کار با یکدیگر مشورت می کنند، و از آنچه به ایشان روزی کرده ایم از مال حلال در راه رضای ما انفاق می کنند. و از این آیه کریمه نهایت مبالغه در مشورت ظاهر می شود.

و از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) منقول است که هر که با کسی مشورت کند البته هدایت می یابد به آنچه خیر او در آن است (۲).

و در حدیث دیگر فرمود: که یا علی کسی که طلب خیر خود از خدا می کند در کار خود حیران نمی شود، و کسی که در کارها با مردم مشورت می کند پشیمان نمی شود (۳).

و از حضرت امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) مروی است که نفس خود را به خطرهای می اندازد کسی که مستغنی می شود به رأی خود از رأی دیگران (۴).

و سید و برقی و دیگران به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که مشورت نمی باشد مگر با چهار حدّ اگر کسی آنها را رعایت کند منتفع می شود، و اگر نکند ضررش بر مشورت کننده زیاده از نفع آن است:

اول: آن که با کسی مشورت کنی که عاقل باشد.

ص: ۳۸

۱- (۷۱) - سوره شوری: ۳۸.

۲- (۷۲) - بحار الانوار، ۲۵۴/۹۱.

۳- (۷۳) - بحار الانوار، ۲۵۴/۹۱.

۴- (۷۴) - عیون اخبار الرضا، ۵۴/۲.

دوم: آن که آزاد و دین دار و صالح باشد.

سوم: آن که دوست و برادر مؤمن باشد.

چهارم: آن که او را بر سر خود مطلع گردانی بنحوی که چنانچه تو راز خود می دانی او هم بداند، و اعتماد بر او داشته باشی که افشای راز تو نمی کند نزد مردم.

اما اول: برای آنکه اگر عاقل باشد رأی او بکار تو می آید و رأی احمق به کار نمی آید.

و اما دوم: برای آن که اگر آزاد و دین دار باشد سعی می کند که خیر تو را بداند و به تو بگوید، و اگر از خدا نترسد پروا ندارد از آن که خیر تو را از تو پنهان کند.

و اما سوم: زیرا که اگر یار و برادر ایمانی نباشد، راز خود را به او نمی توانی گفت.

و اما چهارم: برای آنکه تا اسرار تو را نداند خیر تو را نمی تواند دانست (۱).

مؤلف گوید: که در عبارت حدیث اجمالی هست و حاصل مضمونش آن است که مذکور شد و دور نیست که مراد از آزاد، آزاد، آزاد، خوش اخلاق باشد.

چنانچه به سند معتبر از حسن بن الجهم منقول است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمود: که عقل پدرم به مرتبه ای بود که عقلهای دیگران را به آن نمی توانست سنجید، و با آن مرتبه از علم و عقل بسیار بود که با یکی از سیاهان غلامان خود مشورت می کرد، می گفتند: با چنین کسی مشورت می کنی؟ جواب می فرمود که بسا باشد که خدا خیر مرا بر زبان او جاری گرداند، پس آنچه آن سیاهان می گفتند از مصالح بساتین و مزارع آن حضرت به آن عمل می نمود (۲).

و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) پرسیدند که حزم و دوراندیشی چیست؟ فرمود: که مشورت کردن با صاحبان عقل و رأی نیک و متابعت ایشان کردن (۳).

ص: ۳۹

۱- (۷۵) - بحار الانوار، ۲۵۳/۹۱. و محاسن برقی: ص ۶۰۲، ح ۲۸.

۲- (۷۶) - بحار الانوار، ۲۵۴/۹۱.

۳- (۷۷) - بحار الانوار، ۲۵۴/۹۱.

و در مکارم از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: که مشورت کردن با عاقل ناصح خیرخواه موجب میمنت و مبارکی و رشد و صلاح و توفیق حق تعالی است، پس هرگاه خیرخواه دانای عاقل رأیی برای تو اختیار کند زنهار و مخالفت او مکن که باعث هلاک تو می گردد (۱).

و در حدیث دیگر فرمود: که هیچ معاونتی بهتر از مشورت کردن نیست، و هیچ عقلی بهتر از تدبیر نیست (۲).

و از حضرت امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) منقول است که مشورت کن با جماعتی که از خدا ترسند، و دوست دار برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان، و پرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش، اگر تو را به نیکی امر کنند مخالفت کن ایشان را تا طمع نکنند در آن که موافقت کنی ایشان را در بدیها (۳).

و در حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسی که مسلمانی با او مشورت کند و آنچه خیر او را در آن داند به او نگوید (۴).

و از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مروی است که هر گروهی که با یکدیگر مشورت کنند، و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشورت ایشان داخل باشد البته آنچه خیر ایشان است بر ایشان ظاهر می شود (۵).

و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که مشورت کن با مردان عاقل پرهیزکار، زیرا که امر نمی کنند تو را مگر به نیکی، و زنهار که مخالفت ایشان مکن که مخالفت دانای پرهیزکار باعث فساد دین و دنیا است (۶).

ص: ۴۰

۱- (۷۸) - مکارم الاخلاق، ص ۳۱۹.

۲- (۷۹) - مکارم الاخلاق، ص ۳۱۹.

۳- (۸۰) - بحار الانوار، ۹۸/۷۵.

۴- (۸۱) - بحار الانوار، ۱۰۴/۷۵.

۵- (۸۲) - عیون اخبار الرضا، ۲۹/۲.

۶- (۸۳) - مکارم الاخلاق، ص ۳۱۹.

و به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که اگر خواهی نعمت الهی برای تو مستقیم باشد و مروت و مردی تو کامل و تمام باشد و زندگانی تو نیکو باشد، پس در امور خود با برده و با مردم دنی و دون مشورت مکن (۱).

و از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مروی است که مشورت مکن با جبان و ترسان که راه بدر شد را بر تو تنگ می کند، و بسبب جبنی که دارد راه گشاد را به تو نمی نماید، و مشورت مکن با بخیل که مانع می شود تو را از رسیدن به نهایت مقصود خود، و مشورت مکن با کسی که حرص دنیا داشته باشد، زیرا که زینت می دهد برای تو بدترین رأیها را (۲).

و به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که برادر مؤمنش با او مشورت کند و آنچه محض خیر او را در آن داند نگوید حق تعالی عقل و رؤیش را از او سلب کند (۳).

و در محاسن و معانی الاخبار و فتح الابواب به سندهای معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر گاه یکی از شما کاری را اراده کند با کسی مشورت نکند تا آنکه پیش از آن با خداوند خود مشورت کند. راوی گفت: چگونه با خدا مشورت کند؟ فرمود: که اول از حق تعالی طلب خیر خود بکند، بعد از آن با مؤمنان مشورت کند، تا خدا آنچه خیر در آن است بر زبان ایشان جاری گرداند (۴).

و در مکارم از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هر گاه امری را اراده کنی، پس با کسی مشورت مکن تا با خدا مشورت کنی، پرسیدند که چگونه با پروردگار خود مشورت کند؟ فرمود: که صد مرتبه بگوید اَسْتَخِيرُ اللَّهَ پَسْ بِمَرْدَمِ مَشُورَتٍ كُنْتُ كَمَا خَيْرَ اَوْ رَا بَرِّ زَبَانٍ هَرَّ كَمَا يَخْرُجُ جَارِي كُنْتُ (۵).

ص: ۴۱

۱- ۸۴ - بحار الانوار، ۹۹۰/۷۵، ح ۹.

۲- ۸۵ - بحار الانوار، ۹۹۰/۷۵، ح ۱۱.

۳- ۸۶ - بحار الانوار، ۱۰۲/۷۵، ح ۲۹.

۴- ۸۷ - محاسن برقی، ص ۵۹۸، ح ۲ و معانی الاخبار، ص ۱۴۴-۱۴۵ و بحار ۲۵۲/۹۱ از فتح الابواب.

۵- ۸۸ - مکارم الاخلاق، ص ۳۱۸.

و سید، به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که چون احدی از شما- یعنی شیعیان- اراده کند که چیزی بخرد یا بفروشد یا داخل امری بشود، پس اول خیر خود را از خدای عزوجل سؤال کند به آن که بگوید:

اللهم انی أرید أمراً، فان کان خیراً لی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجله فیسره لی، و ان کان شراً لی فی دینی و دنیای فاصرفه عنی، رب اعزم لی علی رشدی و ان کرهته و أبتة نفسی پس با ده نفر از مؤمنان مشورت کند در آن امر که اراده کرده است، و اگر ده کس نیابد با پنج نفر مشورت کند، با هر یک دوبار، و اگر نیابد مگر دو نفر از مؤمنان با هر یک پنج مرتبه مشورت کند، و اگر نیابد مگر یک مرد با او ده نوبت مشورت کند (۱).

مؤلف گوید: که اگر صد مرتبه استخیرالله را با این حدیث ضم کند اتم و اکمل خواهد بود انشاءالله تعالی.

مفتاح چهارم: در بیان استخاره به قرآن مجید است

در بیان استخاره به قرآن مجید است

کلینی (رحمه الله) از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که تفأل مکن به قرآن (۲).

مشایخ ما (رحمهم الله علیهم) این حدیث را تأویل می کردند که مراد نهی از فال گشودن از قرآن است که احوال آینده را از آیات مناسبه استنباط کنند، چنانچه بعضی از جهال این را وسیله روزی خود کرده به این نحو مردم را فریب می دهند.

و به خاطر قاصر فقیر می رسد که ممکن است که مراد نهی از تفأل و تطیری باشد

ص: ۴۲

۱- (۸۹) - بحار الانوار، ۲۵۲/۹۱-۲۵۳ از سید.

۲- (۹۰) - اصول کافی، ۶۲۹/۲، ح ۷.

که اکثر خلق از دیدن و شنیدن بعضی امور می کنند، و بعضی را بر خود مبارک و بعضی را شوم می گیرند، مانند صدای کلاغ و جغد و دیدن بعضی از حیوانات و غیر آن در افتتاح سفر و احوال دیگر. یعنی از شنیدن بعضی از آیات کریمه فال نیک و فال بد می گیرند، و شاید یک حکمتش این باشد که باعث کم اعتقادی مردم به قرآن کریم نگردد اگر موافق نیفتد.

و استخاره به قرآن مجید به چندین طریق معروف است و در بعضی از کتب مذکور است:

اول: آن که بعد از طلب خیر از جناب مقدس ربانی مصحف را بگشاید و آیه اول صفحه دست راست را ملاحظه نماید، اگر آیه رحمتی یا امر به خیری باشد خوب است، و اگر آیه غضبی یا نهی از شرّی یا عقوبتی باشد بد است، و اگر ذوجهتین باشد یا مشته باشد میانه است.

چنانچه شیخ طوسی در تهذیب و صاحب کتاب (۱) الغایات و سید بن طاووس (رضی الله عنهم) به سند معتبر روایت کرده اند که یسع بن عبدالله قمی به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد که من اراده می کنم کاری را و طلب خیر از حق تعالی می کنم و رأیم بر یک طرف قرار نمی گیرد، حضرت فرمود: که نظر کن در هنگامی که به نماز برمی خیزی، زیرا که دورترین احوال شیطان از آدمی حالتی است که به نماز می ایستد، پس ببین که چه چیز در دلت می افتد و اخذ کن به آن، و بگشا مصحف را پس نظر کن به سوی اول چیزی که می بینی در مصحف، پس به آن عمل کن انشاء الله.

مؤلف گوید: که ظاهر آن است که مراد آن باشد که یا بگشا، و آن حضرت دو طریق بجهت استخاره و تشخیص خیر بیان فرموده باشد، و همچنین مراد از اول چیزی که می بینی اول صفحه باشد، زیرا که غالب آن است که اول نظر بر آن می افتد.

و مؤید این معنی است آنچه روایت کرده است ابن ادریس (رحمه الله) در کتاب

ص: ۴۳

سراثر از شخصی از اصحاب که گفت: در خدمت حضرت امام زین العابدین (صلوات الله علیه) بودم و عادت آن حضرت این بود که چون نماز صبح می کرد با کسی سخن نمی گفت تا آفتاب طلوع می کرد، و روزی که زید فرزند آن حضرت متولد شد بعد از نماز صبح آن حضرت را بشارت به ولادت او دادند، پس رو به اصحاب خود کرد و گفت: چه نام کنم این فرزند را؟ هر یک از حاضران نامی گفتند.

حضرت مصحف طلید و در دامن خود گذاشت و گشود در اول صفحه این آیه بود... وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۱).

پس مصحف را بر هم گذاشت و بار دیگر گشود این آیه در اول صفحه بود إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِذًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبِعْضِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ . (۲) پس حضرت دوبار فرمود: که و الله زید است و او را زید نام کرد (۳).

مؤلف گوید: که چون حضرت سجاد (علیه السلام) می دانستند که یکی از فرزندان او که مسمی به زید خواهد بود در جهاد مخالفان شهید خواهد شد و در این دو آیه که در استخاره ظاهر شد اشاره به شهادت او بود به این سبب دانستند که این همان فرزند است، پس او را به زید مسمی گردانیدند، و دلالت می کند بر استخاره به این نحو که مذکور شد، بلکه ایمانی به جواز تفأل به قرآن نیز دارد.

و ایضاً سید (رحمه الله علیه) در فتح الابواب گفته است که خطیب مستغفری در دعوات خود ذکر کرده است که هرگاه خواهی تفأل نمائی به کتاب خدا، پس سه مرتبه سوره قل هو الله أحد را بخوان و سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرست، پس بگو اللهم تفأل بکتابک و توکلت علیک فأرنی من کتابک ما هو المکتوم من سرک

ص: ۴۴

۱- (۹۲) - سوره نساء: ۹۵.

۲- (۹۳) - سوره توبه: ۱۱۱.

۳- (۹۴) - بحار الانوار، ۹۱/۲۴۲-۲۴۳.

المکنون فی غیبک پس مصحف مجید را بگشا و عمل کن به آنچه در سطر اول صفحه دست راست ظاهر می شود بی آن که اوراق و سطور را بشماری، و این را از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است (۱).

مؤلف گوید: که این حدیث اگرچه از طرق عامه روایت شده است اما مؤید استخاره صفحه اول می تواند شد.

طریق دوم استخاره قرآن مجید: آن است که به صفحه اولی عمل نکنند و آن چند قسم است:

اول: آن است که فقیر دیدم به خط شیخ جلیل شیخ شمس الدین محمد صاحب الکرامات و المقامات جد شیخ الاسلام و المسلمین شیخ بهاء الدین محمد (قدس الله روحهما)، که از خط شیخ سعید شهید، محمد بن مکی (رفع الله درجته) نقل کرده که او به سند معتبر از مفضل بن عمر روایت کرده است که گفت: با جمعی از اصحاب در خدمت حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) نشسته بودیم، پس یکی از ایشان به خدمت آن حضرت عرض کرد که گاه هست اراده کاری و قصد حاجتی می کنیم، پس مصحف مجید را بر می داریم و حاجت خود را به خاطر می آوریم و قرآن را می گشائیم و بعد از آن به ورق اول نظر می کنیم و به آن استدلال بر نیک و بد حاجت خود می کنیم.

حضرت فرمود: که می دانید به چه نحو باید کرد؟ و الله که نمی دانید، گفتم فدای تو شوم چگونه باید کرد؟ فرمود: که هر گاه یکی از شما را حاجتی باشد و قصد آن داشته باشد نماز جعفر را به جا آورد و دعایش را بخواند، و چون فارغ شود مصحف را بردارد و نیت کند فرج آل محمد را که ظهور حضرت صاحب الامر (علیه السلام) در این نزدیکی خواهد شد و بگوید: اللهم ان کان فی قضائک و قدرک أن تفرج عن ولّیک و حجّتک فی خلقک فی عامنا هذا أوفی شهرنا هذا فأخرج لنا آیه من کتابک نستدلّ بها علی ذلک

ص: ۴۵

پس مصحف را بگشاید و هفت ورق بگرداند، و از پشت ورق هفتم ده سطر بشمارد و نظر کند به سطر یازدهم که در آنجا امری بر او ظاهر خواهد شد در آن مطلبی که برای آن گشوده، پس مصحف را برهم می گذارد و بار دیگر برای حاجت خود قصد می کند و مصحف مجید را می گشاید و به همان نحو که مذکور شد عمل می کند تا حاجت او ظاهر شود.

و سید بن طاووس (قدس سره) نیز همین عمل را مرسل نقل کرده و گفته است که در کتب اصحاب ما دیده ایم، و این احتمال استخاره و فال هر دو دارد (۱).

دوم: استخاره جلاله مشهور است که قرآن را بگشاید و در صفحه دست راست نظر کند و عدد لفظ الله هر چه باشد بشمارد و بعد از آن از طرف چپ ورق بشمارد، و بعد از آن به همان عدد از صفحه دست چپ سطر بشمارد و آنچه از سطر آخر ظاهر شود عمل کند، و اگر در مرتبه اول استخاره لفظ جلاله در صفحه اول نباشد بار دیگر نیت کند و بگشاید تا جلاله ظاهر شود.

و این طریق را اگرچه از سید بن طاووس نقل می کنند، اما در کتاب او نیست و در غیر آن از کتب معتبره فقه و دعا به نظر فقیر نرسیده.

و لیکن به خط یکی از فضلالی بحرین دیدم که نوشته بود که دیدم در یکی از تألیفات علمای امامیه (رضوان الله علیهم) که مرسل از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده بود که آن حضرت فرمود: که هر گاه بر احدی از شما کار تنگ شود مصحف را بدست گیرد و عزم کند بر عمل کردن به آنچه ظاهر شود بر او از جانب حق تعالی.

پس سوره حمد و سوره قل هو الله احد و آیه الكرسي و آیه وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَشِقُطُ مِنْ وَرَقِهِ إِلَّا - يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ و سوره انا أنزلناه، و سوره قل یا
أیها

ص: ۴۶

الكافرون، و سوره قل أعوذ بربّ الفلق، و سوره قل أعوذ برب الناس، هر يك از اينها را سه مرتبه بخواند، پس متوجه شود به قرآن مجيد و بگويد:

اللّهُمَّ اِنِّي اَتُوْجِّه اليك بالقرآن العظيم من فاتحته الى خاتمته، و فيه اسمك الاكبر و كلماتك الثامات، يا سامع كل صوت، و يا جامع كل فوت، و يا باريء النفوس بعد الموت، يا من لا تغشاه الظلمات، و لا تشتهه عليه الاصوات، أسألك أن تخير لي بما أشكل عليّ به، فإنّك عالم بكلّ معلوم غير معلّم، بحقّ محمد و عليّ و فاطمه و الحسن و الحسين و عليّ بن الحسين و محمد الباقر و جعفر الصّادق و موسى الكاظم و عليّ الرضا و محمد الجواد و عليّ الهادي و الحسن العسكريّ و الخلف الحجّه من آل محمد عليه و عليهم السّلام.

پس مصحف را بگشاید و جلالات صفحه راست را بشمارد و به عدد آن اوراق از جانب چپ بشمارد، پس بعد از آن از صفحه دست چپ به همان عدد سطر بشمارد، پس به سطر آخر نظر کند که آن به منزله وحی است در مطلبی که دارد انشاء الله تعالی (۱).

و به خط بعضی از فضلاء همین استخاره به این طریق به نظر رسیده، که آیه الكرسي تا هم فيها خالدون و آیه و عنده مفاتيح الغيب تا کتاب مبین بخواند، و ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس این دعا بخواند:

اللّهُمَّ اِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ و تَفَأَلْتُ بِكِتابِكَ، فأرني ما هو المكنون في سرِّك النّحزون في علم غيبك، برحمتك يا أرحم الراحمين. اللّهُمَّ أرني الحقّ حقّاً حتى أتبعه، و أرني الباطل باطلاً حتى أجتنبه بعد از آن مصحف را می گشاید و به همان نحو که مذکور شد عمل می کند.

و در تأليف بعضی از فضلاء به همین نحو نقل کرده است، اما در دعا چنین است:

المحزون في غيبك يا ذاالجلال و الاكرام، اللّهُمَّ أنت الحقّ و منزل الحق بمحمد صلّى الله عليه و آله، اللّهُمَّ أرني الحقّ حقّاً حتى أتبعه، و أرني الباطل باطلاً حتى أجتنبه يا

ص: ۴۷

سوم: آن است که سید (رضی الله عنه) در فتح الابواب ذکر کرده است که از بدر بن یعقوب أجمی (رضوان الله علیه) در روضه حضرات کاظمین (صلوات الله علیهما) شنیدم که گفت مصحف را برمی داری و می گوئی: اللهم ان كان في قضائك و قدرک أن تمنّ علی أمه نبیک بظهور ولیک و ابن بنت نبیک، فعجل ذلک و سهله و يسره و کمله، و أخرج لی آیه أستدلّ بها علی أمر فأءتمر أو نهی فأنتهی فی عافیه و اگر تواند حاجت خود را بگوید، پس هفت ورق بگرداند، پس از روی دوم ورق هفتم هفت سطر بشمارد، و در سطر هفتم تفأل کند برای مطلب خود (۱).

چهارم: آن است که باز سید (رحمه الله) از شیخ بدر مذکور روایت کرده است که بعد از خواندن دعائی که مذکور شد مصحف را بگشاید و هفت ورق بگرداند و از صفحه دوم ورق هفتم و صفحه اول ورق هشتم عدد جلاله آنچه باشد بشمارد، و بعدد جلاله های هر دو صفحه باز ورق بگرداند، پس از صفحه دوم ورق آخر سطر به عدد جلاله بشمارد و در سطر آخر آنچه بر او ظاهر شود عمل کند (۲).

پنجم: باز سید (رضی الله عنه) از شیخ بدر مذکور (رحمه الله) روایت کرده است که دعای سابق را بخواند و مصحف شریف را بگشاید و هشت ورق بعد از آن بشمارد، و از صفحه اول ورق هشتم ده سطر بشمارد، و به سطر یازدهم تفأل کند (۳).

مؤلف گوید: که اقسام طریق دوم استخاره مصحف، هیچ یک مستند معقولی ندارد، خصوصاً سه قسم آخر که هیچ یک را به معصومین (علیهم السلام) نسبت نداده اند. و چون در بعضی از این استخارات وارد شده است که بعد از نماز حضرت جعفر (علیه السلام) به عمل آورند مناسب است که مختصری از کیفیت آن مذکور شود.

بدان که مشهورترین طرُقش آن است که چهار رکعت بکند بدو سلام، و در رکعت

۱- (۹۸) - بحار الانوار، ۲۴۲/۹۱ از فتح الابواب.

۲- (۹۹) - بحار الانوار، ۲۴۲/۹۱.

۳- (۱۰۰) - بحار الانوار، ۲۴۲/۹۱.

اول بعد از فاتحه سوره اذا زلزلت، و در دوم سوره عادیات، و در سوم اذا جاء نصر الله، و در چهارم قل هو الله أحد بخواند، و در هر رکعت بعد از فراغ از قرآت پانزده مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر پس در رکوع و سر برداشتن از آن و در سجود اول و بعد از سر برداشتن و در سجده دوم و بعد از سر برداشتن در هر یک ده مرتبه این تسبیحات را بخواند.

و اگر در سجده آخر بعد از تسبیحات این دعا را بخواند بهتر است: سبحان من لبس العزّ و الوقار، سبحان من تعطف بالمجد و تكرم به، سبحان من لا ينبغي التسييح الا له، سبحان من أحصى كل شيء علمه، سبحان ذي المنّ و النعم، سبحان ذي القدره و الكرم، سبحان ذي العزّه و الفضل، سبحان ذي القوه و الطول، اللهم اني أسألك بمعاهد العزّ من عرشك، و منتهى الرّحمه من كتابك، و اسمك الاعظم الاعلى و كلماتك التامه التي تمت صدقاً و عدلاً أن تصلي على محمد و آل محمد پس حاجت خود را بطلبد، و اگر نتواند بگوید و أن تقضى لي حاجتي و بعد از سلام بگوید يا ربّ يا ربّ بقدر آن که یک نفس وفا کند، و باز يا ربّاه يا ربّاه همانقدر، و باز يا ربّ يا ربّ همانقدر، و باز يا رحيم يا رحيم به همانقدر، پس هفت مرتبه يا رحمن يا رحمن پس هفت مرتبه يا أرحم الراحمين پس بگوید:

اللهم اني أفتح القول بحمدك، و أنطق بالثناء عليك، و أمجدك و لاغايه لمجدك [لمدحك-خ ل] و أثني عليك، و من يبلغ غايه ثنائك و أمد مجدك، و أني لخليقتك كنه معرفه مجدك، و أيّ زمن لم تكن ممدوحاً بفضلك، موصوفاً بمجدك، عوداً على المدنيين بحلمك، تخلف سگان أرضك عن طاعتك، فكنت عليهم عطوفاً بجدك، جواداً بفضلك، عوداً بكرمك، يا لا اله الا أنت المنان ذو الجلال و الاكرام. و اگر آن سوره ها را نداند هر سوره که بخواند خوب است، و این دعاها نیز شرط نماز نیستند بلکه از مکملات نمازند، و سایر آداب و ادعیه را در ربیع الاسایع (۱) ذکر کرده ایم.

ص: ۴۹

و چون راوی آن استخاره و این دعا هر دو مفضل بن عمر است دور نیست که دعائی که در حدیث استخاره وارد شده است اشاره به این دعا باشد، لهذا این دعا را در اینجا اختیار کردیم.

مفتاح پنجم: در بیان استخاره به تسبیح است

در بیان استخاره به تسبیح است

علامه حلی (قدس الله روحه) در کتاب منهاج الصلاح از پدر بزرگوار خود سدیدالدین یوسف (رحمه الله) روایت کرده است، و او از حضرت صاحب الزمان (صلوات الله علیه) روایت کرده، که چون در امری کسی خواهد استخاره کند سوره فاتحه را ده مرتبه می خواند و به سه مرتبه و به یک مرتبه نیز اکتفا می تواند کرد، پس ده مرتبه سوره انا أنزلناه را می خواند، پس این دعا را سه مرتبه می خواند:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَخِيرُكَ لِعَلْمِكَ بِعَوَاقِبِ الْاُمُورِ، وَ اَسْتَشِيرُكَ لِحَسَنِ ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَ الْمَحْذُورِ. اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ الْاَمْرُ الْفُلَانِي مَيِّا قَدْ نَيْطَتْ بِالْبُرِّ كِهْ اَعْجَازِهْ وَ بُوَادِيَهْ، وَ حَفَّتْ بِالْكَرَامِهْ اَيَامِهْ وَ لِيَالِيَهْ، فَخِرْلِي فِيَهْ خَيْرِهْ تَرْدُ شَمُوسِهْ ذُلُولًا وَ تَقْعُضْ اَيَامِهْ سُرُورًا، اللَّهُمَّ اَمِّيَا اَمْرُ فَاءِ تَمْرٍ، وَ اَمَّا نَهِي فَاَنْتَهِي، اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرِهْ فِي عَافِيَهْ پَسِ قَصْدِ مِي كُنْدِ كِهْ اِكْرَا اَيْنِ اَمْرٍ بَرَايِ مِنْ خُوبِ اسْتِ طَاقِ مِي آيِدِ، وَ اِكْرُ بَدِ اسْتِ جَفْتِ مِي آيِدِ يَا بَرْعَكْسِ، پَسِ قَطْعِهْ اَزِ تَسْبِيْحِ رَا مِي گِيْرِدِ وَ مِي شَمَارِدِ تَا مَعْلُومِ شُودِ كِهْ طَاقِ اسْتِ يَا جَفْتِ اسْتِ (۱).

و سید (قدس سره) در فتح الابواب گفته است که یافتم به خط برادر صالح

ص: ۵۰

پسندیده محمد بن محمد حسینی آوی خدا سعادتش را مضاعف گرداند و مشرف گرداند خاتمه او را: که روایت رسیده است از حضرت صادق (صلوات الله علیه) که هر که خواهد طلب خیر خود از خدا بکند، پس سوره حمد و انا أنزلناه را هر یک ده مرتبه بخواند، پس سه مرتبه این دعا را بخواند، و آن دعای سابق را ذکر کرده است، پس گفته است که کفی از سنگ ریزه یا تسبیح بگیرد، و سید گفته است که مراد آن است که قصد کند که اگر طاق باشد بکن و اگر جفت باشد مکن.

پس باز سید گفته است: که بعضی از اصحاب ما حدیث مرسلی نقل کرده است در صفت قرعه به تسبیح، که سوره حمد را یک مرتبه، و سوره انا أنزلناه را یازده مرتبه بخواند، پس آن دعا که گذشت بخواند، و رفیقی به هم رساند و خود کردن را، و او نکردن را یا برعکس به خاطر بگذرانند، پس دو رقعہ بنویسد یکی به اسم خود و دیگری به اسم رفیقش و در جایی بگذارد و دست کند و بدر آورد اسم هر یک که بدر آید به خاطر گرفته، او عمل کند (۱).

طریق دیگر: شیخ یوسف بن حسین، از خط شیخ شهید (قدس الله روحهما) روایت کرده است، که ده مرتبه سوره انا أنزلناه می خوانی، پس می گوئی:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَخِيرُكَ لِعَلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْاُمُورِ، وَ اَسْتَشِيرُكَ لِحَسَنِ ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَ الْمَحْذُورِ. اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ الْاَمْرُ الَّذِي عَزَمْتُ مِمَّا قَدْ نَيْطَتِ الْبِرْكَهَ بِاَعْجَازِهِ وَ بُوَادِيهِ، وَ حَفَّتْ بِالْكَرَامَةِ اَيَّامُهُ وَ لِيَالِيهِ، فَاسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرَ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ اَنْ تَخَيَّرَ لِي فِيهِ خَيْرَهُ تَرْدَ شَمْسٍ ذُلُولاً وَ تَقْيِضَ اَيَّامَهُ سُرُورا. اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ اَمْرًا فَاجْعَلْهُ فِي قَبْضِهِ الْفَرْدِ، وَ اِنْ كَانَ نَهْيًا فَاجْعَلْهُ فِي قَبْضِهِ الزَّوْجِ پَسِ تَسْبِيْحِ رَا مِي گِيْرِي وَ عَمَلِ مِي كَنِي بَه اَنْجَه مِي آيْد، يَعْنِي: اِگَر يَك مِي مَانْد عَمَلِ مِي كَنِي وَ اِگَر دُو مِي مَانْد تَرْك مِي كَنِي (۲).

ص: ۵۱

۱- ۱۰۳) - بحار الانوار، ۲۴۷/۹۱.

۲- ۱۰۴) - بحار الانوار، ۲۵۱/۹۱.

مؤلف گوید: که عبارت سید، اجمالی دارد، فقیر از عبارت او چنین می فهمم و الله يعلم.

و بدان که ظاهر روایات آن است که از سنگ ریزه چند یا دانه تسبیحی چند دست کند و مшти بردارد و بشمارد نه به روشی که متعارف است.

و بعضی از مشایخ ما (رضوان الله علیهم) تسبیح منظوم را در میان کف می گرفتند و دانه ها که در میان کف واقع می شد می شمردند که طاق است یا جفت. و این نوع نیز با روایت فی الجملة انطباقی دارد.

اما آنچه دست بدست از اکثر مشایخ دیده و شنیده ایم همان روش متعارف است که به انگشت میان تسبیح را بگیرند. و اگر حمد و انا آنزلناه و آن دعا را به یکی از آن عددها که در روایات مذکور شد بخواند و نیت کند و تسبیح را بگیرد و دو تا دو تا بشمارد و اگر یک بماند عمل کند و اگر دو بماند ترک کند ظاهراً بد نباشد.

و والد مرحوم فقیر، از شیخ عظیم الشان بهاء الدین محمد (علیهما الرحمه و الرضوان) نقل می فرمود: که ما دست بدست، از مشایخ خود شنیده ایم که از حضرت صاحب الامر (صلوات الله علیه) روایت می کردند در طریق استخاره تسبیح که سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و تسبیح را بگیرند و دو تا دو تا بشمارند، اگر طاق می ماند خوب است و اگر جفت می ماند بد است. و والد مبرور (رحمه الله) به این روش اکثر اوقات در اموری که در آن استعجالی بود استخاره می کردند.

و طریق دیگر در میان عوام شهرت دارد که سه تا سه تا بشمارند، اگر یک بماند خوب است و دو وسط است و سه بد است. و این طریق در کتب مشهوره به نظر فقیر نرسیده.

و لیکن یکی از فضایل بحرین از کتاب السعادات از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حمد را یک مرتبه و سوره قل هو الله را سه مرتبه بخواند و پانزده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

اللهم انی أسألك بحقّ الحسين و جدّه و أبیه و أمه و أخیه و الائمه من ذرّيته أن

تَصَيَّرَ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي الْخَيْرَ فِي هَذِهِ السَّيِّبَةِ، وَأَنْ تُرِينِي مَا هُوَ الْأَصْلَحُ لِي فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا. اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَصْلَحُ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَعَاجِلِ أَمْرِي وَآجَلِهِ فَعَلْ مَا أَنَا عَازِمٌ عَلَيْهِ فَأَمْرُنِي وَالْأَفْأَنَّهُنِي، فَاتَّكِ عَلَيَّ كُلَّ شَيْءٍ قَدِيرٍ بِسِمْوَةِ الْقَبْضَةِ مِنْ تَسْبِيحِ مِي گِیرِی وَ مِی شِمَارِی وَ مِی گِوِیثِی سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَا أَنْ قَبْضَهُ تَمَامٌ شُودَ، اِگَرِ آخِرِش سُبْحَانَ اللَّهِ بَاشَدِ مَخِیرِی مِیَانِ کَرْدَنِ وَ نَکَرْدَنِ، وَ اِگَرِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَاشَدِ اَمْرِ اسْتِ، وَ اِگَرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَاشَدِ نَهْیِ اسْتِ (۱).

مفتاح ششم: استخاره به رقع است

استخاره به رقع است

و سید بن طاووس و اکثر متأخرین علما (رحمه الله عليهم) این نوع را بهترین استخارات می دانند.

و در کتاب احتجاج منقول است که حمیری عریضه نوشت به خدمت حضرت صاحب (علیه السلام) و پرسید که اگر کسی در امری متردد شود میان کردن و نکردن و دو انگشت بگیرد و بر یکی بنویسد بکن و بر دیگری مکن، پس هر دو را پنهان کند و چندین مرتبه طلب خیر خود را از حق تعالی بکند، پس یکی از آنها را بیرون آورد و به آن عمل کند آیا حکم استخاره دارد؟ حضرت در جواب نوشتند: که آنچه عالم اهل بیت (علیهم السلام) در باب استخاره مقرر فرموده نماز کردن و رقعها نوشتن است، یعنی: چنان باید کرد (۲).

مؤلف گوید: که این نوع از استخاره به چند طریق وارد شده:

اول: آن است که کلینی و شیخ طوسی و سید و دیگران (رضوان الله عليهم) به

ص: ۵۳

۱- (۱۰۵) - بحار الانوار، ۲۵۰/۹۱.

۲- (۱۰۶) - احتجاج طبرسی، ۳۱۴/۲.

سندهای معتبر از هارون بن خارجه روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق (صلوات الله علیه) فرمود: که هرگاه امری را اراده کنی شش رقعہ کاغذ بگیر و در سه تایی آنها بنویس بسم الله الرحمن الرحيم خيره من الله العزيز الحكيم لفلان بن فلانه افعله و در سه رقعہ دیگر بنویس بسم الله الرحمن الرحيم خيره من الله العزيز الحكيم لفلان ابن فلانه لاتفعل پس آن رقعہ ها را در زیر مصلاي خود بگذار و دو رکعت نماز بکن، و چون فارغ شوی برو به سجده و صد مرتبه بگو أستخیر الله برحمتہ خيره فی عافیه پس درست بنشین و بگو اللهم خلی و اخترلی فی جمیع أموری فی یسر منک و عافیه پس دست بزنی و رقعہ ها را مشوش کن، یعنی: به یکدیگر مخلوط گردان و یک یک از آنها را بیرون آور و ملاحظه کن، اگر سه افعال پیایی درآید پس بکن آن کار را که اراده کرده، و اگر سه لاتفعل پیایی بیرون آید پس مکن آن کار، و اگر بعضی افعال و بعضی لاتفعل برآید تا پنج رقعہ بیرون آور اگر افعال بیشتر است عمل کن و اگر لاتفعل بیشتر است ترک کن و احتیاج نیست به بیرون آوردن رقعہ ششم (۱).

مؤلف گوید: که به جای فلان بن فلانه در هر دو جا اسم خود و مادر خود را بنویسد.

و بدان که غسل در این روایت وارد نشده است، و بعضی از علما در این استخاره ذکر کرده اند به اعتبار این که در استخاره مطلقه که در محل خود ذکر کردیم واقع شده است و شاید بد نباشد، و ورود غسل در نمازهای حاجت نیز شاید مؤید تواند شد، و اگر قصد زیارت ائمه (علیهم السلام) نیز در آن غسل بکند شاید احوط باشد.

و ایضاً تعیین سوره در این نماز وارد نشده است، و بعضی سوره حشر و سوره رحمن را ذکر کرده اند، به اعتبار آن که در نوع دیگر استخاره وارد شده است و شاید بد نباشد، و اگر در هر رکعت سه مرتبه قل هو الله بخوانند چنانچه بعد از این مذکور می شود ایضاً بد نیست، و ظاهراً هر سوره که بخوانند خوب است.

ص: ۵۴

و آنچه در روایت واقع شده است که اگر درهم درآید افعال و لاتفعل باید پنج تا بیرون آورند اشکالی ندارد، زیرا که در بعضی از صور احتیاج نمی شود به بیرون آوردن پنجم، مثل آن که اول یک لاتفعل درآید و بعد از آن سه افعال یا برعکس، یا آن که دو افعال برآید و یک لاتفعل و یک افعال یا برعکس، و دور نیست که مراد آن باشد که احتیاج به بیرون آوردن ششم هرگز نمی شود که احتیاج به پنجم نیز در بعضی از شقوق نشود. و احتمال دارد که در همه صور پنجم را باید بیرون آورد تعبداً [که او] فائده اش بر ما معلوم نباشد اما بعید است.

و ایضاً باید دانست که اگر مختلف بیرون آید و یکی بیشتر باشد از حدیث تفاوتی در خوبی و بدی در میان صور آن ظاهر نمی شود، و بعضی از علما به اعتبار زود بیرون آمدن هر یک یا توالی آنها تفاوت در مراتب خوبی و بدی قرار داده اند، مثل آنکه سه افعال در چهار رقعہ بیرون آید بهتر است از آن که در پنج رقعہ بیرون آید، و همچنین لاتفعل در بدی، و اگر دو افعال بیرون بیاید بیسپایی و یک لاتفعل و یک افعال بهتر است از آن که اول لاتفعل بیرون آید و بعد از آن سه افعال، و بر این قیاس سایر شقوق نیکی و بدی معلوم می شود.

دوم: آن است که سید (رضی الله عنه) از طریق عامه از ابن مسعود روایت کرده است که او در استخاره این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ اَنْتَ تَعْلَمُ و لَا اَعْلَمُ و تَقْدِرُ و لَا اَقْدِرُ و اَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ اِنَّ عِلْمَكَ بَمَا يَكُونُ كَعِلْمِكَ بَمَا كَانَ، اللَّهُمَّ اِنِّي قَدْ عَزَمْتُ عَلَيَّ كَذَا و كَذَا فَاِنْ كَانَ لِي فِيهِ خَيْرٌ لِلدِّينِ و الدُّنْيَا و الْعَاجِلِ و الْاَجَلِ فَيَسِّرْهُ و سَهِّلْهُ و وَفِّقْنِي لَهُ و وَفِّقْهُ لِي، و اِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَامْنَعْنِي مِنْهُ كَيْفَ شِئْتَ بِسُجْدَةٍ بِسُجْدَةٍ مِي رَفْتِ و صَدَّ و يَكُ مَرْتَبَةٍ مِي كَقَوْلِكَ: اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرِهِ فِي عَافِيهِ بِسُجْدَةٍ فِي سَهِّهِ رَقْعَةٍ مِي نَوَشْتِ خَيْرِهِ مِنْ اَللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ اَفْعَلَ عَلَيَّ اِسْمَ اَللَّهِ و عَوْنَهُ و دَرَسَهُ رَقْعَةٍ دِيْكَرٍ مِي نَوَشْتِ خَيْرِهِ مِنْ اَللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ لَاتَفْعَلَ و الْخَيْرِهِ فَيَمَّا يَقْضِي اَللَّهُ و دَرَسَهُ سَجَادَةٍ مِي كَقَوْلِكَ و چُونِ اَزْ نَمَازِ و

دعا فارغ می شد یک یک از آنها را بیرون می آورد، و هر یک که بیشتر بیرون می آمد به آن عمل می کرد (۱).

مؤلف گوید: که به جای علی کذا و کذا حاجت خود را به عربی بگوید، و اگر نتواند بگوید علی الامر الذی علمت و به جای فلان بن فلان اسم خود و پدرش را بنویسد در همه رقعہ ها. و این روایت اگر چه از طریق اهل سنت است اما مؤید روایت اول است، و عمل به روایت اول که از طریق شیعه است اولی است، و اگر این دعا را بخواند بد نیست.

سوم: آن است که باز سید (رحمه الله) از طرق مخالفان نقل کرده است از جابر بن عبدالله انصاری که از اکابر صحابه است گفت: که حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ما را تعلیم می کرد استخاره در امور را چنانچه تعلیم می نمود به ما سوره های قرآن را، و می فرمود: که هر گاه احدی از شما اراده کاری بکند دو رکعت نماز بکند غیر نمازهای واجب، پس بگوید:

اللهم انی استخیرک بعلمک، و استقدرک بقدرتک، و أسألك من فضلک العظیم، فانک تقدر و لا أقدر و تعلم و لا أعلم و أنت علام الغیوب. اللهم ان کنت تعلم أنّ هذا الامر خیر لی فی دینی و معاشی و عاقبه امری [فی عاجل امری و آجله - خ ل] فاقدره لی و یسرّه لی ثمّ بارک لی فیّه، و ان کنت تعلم أنّ هذا الامر شرّ لی فی دینی [فی عاجل امری و آجله - خ ل] او معاشی و عاقبه امری، فاصرفه عنّی و اصرفنی عنه، و اقدر لی الخیر حیث کان ثمّ رضنی به.

پس سید گفته گفته است که بعضی از مشایخ ما (رحمهم الله) گفته است که چون این نماز را بکند و این دعا را بخواند شش رقعہ از کاغذ قطع کند، و در سه تا افعّل بنویسد، و در سه تا لا تفعل بنویسد، و به یکدیگر مخلوط گرداند و در میان آستین خود بگذارد، پس سه تا را یکی یکی بدر آورد، اگر همه افعّل باشد آن کار را بکند با طیب خاطر، و اگر دو

ص: ۵۶

تا فعل باشد و یکی لاتفعل باکی نیست که آن را بکند اما پست تر است از شق اول، و اگر همه لاتفعل باشد نکند، و اگر دو تا لاتفعل باشد حذر کردن اولی است، و اکثر حکم کل دارد (۱).

مترجم گوید: که از فحوای اصل حدیث ظاهر می شود که این نماز و دعا برای مطلق طلب خیر است بدون آن که عملی با آن باشد، و آن عملی که سید از بعض مشایخ نقل کرده است جزء آن نیست، و در روایت دیگر ندیده ام، پس بهتر آن است که به نحو اول به عمل آورند، و اگر خواهند این دعا را نیز بخوانند.

چهارم: آن است که باز سید (قدس سره) در فتح الابواب گفته است که به من رسیده است از بعضی علما در کیفیت استخاره که در سه رقعہ بنویس بسم الله الرحمن الرحيم خيره من الله العزيز الحكيم افعل و در سه رقعہ دیگر بنویس بسم الله الرحمن الرحيم خيره من الله العزيز الحكيم لاتفعل و رقعہ ها را در زیر سجاده بگذارد و دو رکعت نماز بکن، و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه الکتاب سه مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان.

پس سلام بگو و بگو اللهم انی استخیرک بعلمک تا آخر دعا که مذکور شد، پس به سجده برو و صد مرتبه بگو استخیر الله العظیم پس سر از سجده بردار و پنج رقعہ را بیرون آور اگر افعل سه تا باشد بکن که صلاح تو در آن است، و اگر لاتفعل سه تا باشد مکن که خیر تو در نکردن است انشاء الله (۲).

پنجم: آن است که باز سید (رضی الله عنه) از شیخ ابوالفتح کراچکی (رحمه الله علیه) نقل کرده است، و او به سند خود از هارون بن حماد روایت کرده است، که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: که هر گاه امری را اراده کنی شش رقعہ بگیر و بر سه رقعہ بنویس بسم الله الرحمن الرحيم خيره من الله العزيز الحكيم و به روایت دیگر العلی الکريم لفلان بن فلان افعل کذا انشاء الله و نام خود را و پدر خود را و آن کاری که می خواهی بکنی بنویس، و در سه رقعہ دیگر بسم الله الرحمن الرحيم خيره من الله

ص: ۵۷

۱- (۱۰۹) - بحار الانوار، ۲۲۸/۹۱.

۲- (۱۱۰) - بحار الانوار، ۲۲۸/۹۱-۲۲۹.

العزیز الحکیم لفلان بن فلان لاتفعل کذا انشاء اللہ و چهار رکعت نماز کن، و در هر رکعت پنجاه مرتبه سوره قل هو اللہ احد، و سه مرتبه سوره انا أنزلناه فی لیلہ القدر یعنی بعد از سوره حمد، و رقعہ ہا را در زیر سجادہ خود بگذار، پس این دعا را بخوان:

بقدرتک تعلم و لا أعلم، و تقدر و لا أقدر، و أنت علام الغیوب. اللہم بک فلا شیء أعظم منک، صلّ علی آدم صفوتک، و محمد خیرتک و أهل بیتہ الطاہرین، و من بینہم من نبیّ و صدیق و شهید و عبد صالح و ولیّ مخلص و ملائکتک أجمعین، و ان کان ما عزمت علیہ من الدخول فی سفری الی بلد کذا و کذا خیرہ لی فی البدء و العاقبہ و رزق تیسیر لی منہ، فسہلہ و لاتعسرہ و خرلی فیہ، و ان کان غیرہ فاصرفہ عنّی و بدلّنی منہ بما ہو خیر منہ، فسہلہ و لاتعسرہ و خرلی فیہ، و ان کان غیرہ فاصرفہ عنّی و بدلّنی منہ بما ہو خیر منہ، برحمتک یا أرحم الراحمین پس ہفتاد مرتبہ بگو خیرہ من اللہ العلیّ الکریم پس بہ سجدہ برو و رو را بر خاک بگذار و حاجت خود را از خدا بطلب.

و در روایت دیگر وارد شدہ است کہ بعد از آن رقعہ ہا را بیرون آور بنحوی کہ در روایت اول مذکور شد (۱).

مؤلف گوید: کہ این دعا در خصوص ارادہ سفر است، و اگر ارادہ امر دیگر داشتہ باشد باید کہ بہ جای من الدخول فی سفری الی بلد کذا و کذا آن حاجت را ذکر کند، و اگر ارادہ سفر باشد بہ جای الی بلد کذا و کذا، آن سفر و آن شہری را کہ ارادہ دارد ذکر کند، و بر ہر تقدیر عمل بہ روایت اول بہتر است، و اگر خواهد این دعا را نیز اضافہ کند.

و سید بن باقی (رحمہ اللہ) در مصباحش گفتہ است: کہ در دست آن کس کہ استخارہ می کند انگشتر عقیقی بودہ باشد کہ در آن نام محمد و علی نقش کردہ باشند و بہ دست راست رقعہ ہا را بدر آورد.

و بدان کہ سید بن طاووس (رضی اللہ عنہ) چون این استخارہ را بہترین استخارات

ص: ۵۸

می داند و مدارش بر عمل بر این استخاره بوده است چند امر غریب از تجربه این استخاره نقل کرده است:

اول: آن که بعضی از ارباب مناصب دنیویّه مرا طلبید و من در جانب غربی بغداد بودم و بیست و دو روز در آنجا ماندم، و هر روز استخاره کردم که او را ملاقات کنم و همه استخاره ها یا سه لاتفعل متوالی می آمد یا در چهار رقعہ سه لاتفعل آمد، و ظاهر شد که خیر من در ندیدن او بوده است، و چنین اتفاقی نمی باشد مگر از جانب خداوندی که عالم الخفیات است (۱).

دوم: آن که در ایامی که در دارالسلام بغداد اقامت داشتم وارد شهر حله شدم، و بعضی از ارقاب من تکلیف نمود مرا که بدیدن یکی از حکام حله بروم، و چنان اتفاق افتاد که یک ماه در حله ماندم و هر روز که اراده ملاقات او می کردم در اول آن روز و آخر آن روز استخاره می کردم برای دیدن او، و در همه استخارات سه لاتفعل می آمد، تا آن که پنجاه استخاره در عرض آن مدت کردم و در همه لاتفعل بیرون آمد، و معلوم شد که خیر من در آن بوده، و عقل باور می کند این را که پنجاه استخاره کسی برای یک مطلب بکند و بر سیل اتفاق بدون اراده قادر علی الاطلاق همه بد بیاید (۲).

سوم: آن که تا حالت تحریر این رساله پنجاه و سه سال از عمر من گذشته است، و تا حقیقت استخاره بر من ظاهر شده است پیوسته در امور خود استخاره کرده ام، و در همه آنها خیر خود را در آن یافته ام که استخاره مرا به آن دلالت کرده است، و همیشه سعادت دنیا و عقبای خود را در آن یافته ام (۳).

مؤلف گوید: که فقیر نیز در انواع استخارات تجربه هایی بسیار کرده ام، و از جمعی از برادران و صلحای خویشان و آشنایان خود، امور غریبه در این باب شنیده ام، خصوصاً این استخاره و استخاره به مصحف مجید، و اللّٰه الموفق.

ص: ۵۹

۱- (۱۱۲) - بحار الانوار، ۲۳۲/۹۱ از فتح الابواب سید.

۲- (۱۱۳) - بحار الانوار، ۲۳۲/۹۱-۲۳۳ از همان کتاب.

۳- (۱۱۴) - بحار الانوار، ۲۳۳/۹۱ از همان کتاب.

مفتاح هفتم: در بیان استخاره به رقاع است بر خلاف طریق مشهور

در بیان استخاره به رقاع است بر خلاف طریق مشهور

و آن چند قسم است:

اول: شیخ طبرسی (رحمه‌الله علیه) در مکارم الاخلاق از عبدالرحمن بن سیاه روایت کرده است، که در سالی رفتم به مکه معظه و با خود متاعی برده بودم و آن متاع در آن سال کساد بود و کسی به هم نرسید که بخرد، بعضی از اصحاب ما گفتند: که متاع را به مصر بفرست و به کوفه برمگردان، و بعضی گفتند: که به یمن بفرست، پس رفتم به خدمت حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) بعد از آن که از منی به مکه مراجعت کرده بودیم و احوال خود را عرض کردم و پرسیدم که شما چه می فرمائید؟ حضرت فرمود که قرعه بزنی میان مصر و یمن و تفویض کن امر خود را به خدا و اسم هر شهر که بیرون آید متاع خود را به آنجا بفرست، گفتم فدای تو شوم چگونه قرعه بزنی؟ فرمود: که در یک رقعہ بنویس **بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت [انه لا اله الا الله لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة انت العالم و انا المتعلم، فانظري في ائى الامرین خیر لی حتی أتوکل علیک** فیه و **اعمل [فاعمل - خ ل]** به پس بنویس **مصر انشاء الله**.

پس در رقعہ دیگر همان دعا را بنویس، پس بنویس **یمن انشاء الله**، پس در رقعہ سوم باز همان دعا را بنویس، و بعد از آن بنویس **یحبس المتاع و لا یبعث الی بلد منهما یعنی: حبس کنم متاع را و به هیچ یک از آن دو شهر نفرستم**، پس رقعہ ها را جمع کن و به یکی از برادران مؤمن خود بده که در جایی پنهان کند از تو، پس دست خود را در آنجا داخل کن و هر یک از آن رقعہ ها که به دستت می آید بیرون بیاور و بر خدا توکل کن، و به آنچه در آن رقعہ هست، عمل کن که انشاء الله خیر تو در آن است (۱).

ص: ۶۰

و سید نیز این عمل را به سند حسن معتبر از عبدالرحمان روایت کرده است (۱).

مترجم گوید: که این عمل خوب است و اعتبار سندش کمتر از ذات الرقاع مشهور نیست، و می تواند بود که عمومات احادیث قرعه شامل این بوده باشد، زیرا که احادیث بسیار وارد شده است که در هر امر مشکلی قرعه باید انداخت، و وارد شده است که هر قومی که امر خود را به خدا تفویض کنند البته سهم به حق بیرون می آید، خصوصاً در امری که رأیها در آن مختلف شده باشد.

دوم: سید (رضی الله عنه) از حضرت باقر یا صادق (صلوات الله علیهما) روایت کرده است که کسی که خواهد به مسأله بکند یعنی به قرعه، در سه رقعہ این دعا را بنویسد:

اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم، أنت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون، أسألك بحق محمد و آل محمد أن تصلي على محمد و آل محمد، و أن تخرج لي خيره [خير السهمين - خ ل] في دینی و دنیای و عاقبه امری و عاجله و آجله، أنك على كل شيء قدير، ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله، صلى الله على محمد و آله پس مطلب خود را در دو رقعہ بنویسد اگر دو شق باشد، و اگر نه یکی را کردن و یکی را نکردن بنویسد، اگر یکی از آن دو رقعہ بیرون آید به آن عمل کند، و اگر غفل بیرون آید آن را بیندازد و دیگری را بیرون آورد و به آن عمل کند (۲).

مفتاح هشتم: در بیان استخاره به بنادق است

در بیان استخاره به بنادق است

و آن به چندین طریق منقول است:

ص: ۶۱

۱- (۱۱۶) - بحار الانوار، ۲۳۳/۹۱.

۲- (۱۱۷) - بحار الانوار، ۲۳۴/۹۱ و مراد از غفل در آخر حدیث آن است که امید خیری در آن نیست و خوف شری هم در آن نیست.

اول: آن است که سید (رضی الله عنه) در فتح الابواب و ابن تلکبری (رحمه الله) در مجموع الدعوات روایت کرده اند از احمد بن محمد بن یحیی که گفت: بعضی از دوستان ما اراده کرد که از برای تجارت بیرون رود، پس گفت: بیرون نمی روم تا بروم به خدمت حضرت امام جعفر صادق (صلوات الله علیه) و بر او سلام کنم و در کار خود مشورت کنم و استدعای دعا از آن حضرت بکنم.

پس به خدمت آن جناب رفت و عرض کرد که من اراده دارم که برای تجارت بیرون بروم و سوگند یاد کرده ام که بیرون نروم تا به خدمت شما برسم و با شما مشورت کنم و طلب دعا از خدمت شما بکنم.

حضرت برای او دعا کردند و فرمودند: که بر تو باد به راست گویی، و عیب متاع خود را در تجارت پنهان مکن، و کسی را که امیدوار احسان خود کرده باشی مغبون مگردان که آن در بدی مانند سود گرفتن است، و از برای مردم میسند مگر چیزی را که برای خود می پسندی، و حق بده و حق بگیر، و مترس و اندوهناک مباش از کمی روزی، به درستی که تاجر راست گو با ملائکه نیکوکار گرامی نزد پروردگار در قیامت محشور می شود، و اجتناب کن از سوگند یاد کردن در خرید و فروش، زیرا که سوگند دروغ صاحبش را از حق خود نگیرد و حق مردم را تمام بدهد.

و هرگاه عزم کنی بر سفری یا حاجت ضروری که اهتمام ایشان آن داشته باشی دعا بسیار بکن و استخاره بکن، بدرستی که خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدش که حضرت رسالت پناه (صلی الله علیه و آله) استخاره را به اصحاب خود تعلیم می کرد چنانچه سوره قرآن را، و ما استخاره را به عمل می آوریم هر وقت که اراده کنیم امری را، و رقعہ چند برای استخاره می گیریم و موافق آنچه بیرون می آید عمل می کنیم، خواه موافق خواهش ما باشد و خواه نباشد.

پس آن مرد گفت: ای مولای من آن استخاره را به من تعلیم نما که چگونه به عمل آورم؟ فرمود: که چون اراده استخاره نمایی وضوی کامل بساز، یعنی با آداب و ادعیه

مستحبه و دو رکعت نماز کن، و در هر رکعت سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله أحد بخوان، و بعد از سلام نماز دستهای خود را به دعا بردار و بگو:

یا کاشف الكرب، و مفرج الهم، و مذهب الغم، و مبتدئاً بالنعم قبل استحقاقها، یا من یفزع الخلق الیه فی حوائجهم و مهماتهم و أمورهم و یتکلون [یتوکلون -خ ل] علیه أمرت بالدعاء و ضمنت الاجابه، اللهم فصل علی محمد و آل محمد، و ابدأ بهم فی کلّ امری [امر -خ ل] و افرج همی و نفس کربی، و اذهب غمی، و اکشف لی عن الامر الذی قد التبس علیّ و خرلی فی جمیع امری خیره فی عافیه، فانی أستخیرک اللهم بعلمک، و أستقدرک بقدرتک، و أسألك من فضلک، و ألجأ الیک فی کلّ امری، و أبرأ من الحول و القوه الا بک، و أتوکل علیک و أنت حسبی و نعم الوکیل، اللهم فافتح لی أبواب رزقک، و سلّمها لی، و یسر لی جمیع امری، فانّک تقدر و لا أقدر، و تعلم و لا أعلم، و أنت علام الغیوب.

اللهم ان کنت تعلم أنّ الامر الذی عزمت علیه و أردته هو خیر لی فی دینی و دنیای و معاشی و معادی و عاقبه امری، فقد ره لی و عجله علیّ، و سهله و یسره و بارک لی فیهِ، و ان کنت تعلم أنّه غیر نافع لی فی العاجل و الاجل بل هو شرّ علیّ فاصرفه عنی و اصرفنی عنه، کیف شئت و انی شئت، و قدر لی الخیر حیث کان و این کان، و رضّنی یا ربّ بقضائک و بارک لی فی قدرک حتی لا أحبّ تعجیل ما أخرت و لا تأخیر ما عجلت، انک علی کلّ شیء قدير و هو علیک یسیر پس بسیار صلوات فرست بر محمد و آل محمد، و باید که سه رقعہ با خود داشته باشی همه به یک مقدار و یک هیأت، و در دو رقعہ این دعا را بنویس.

اللهم فاطر السّماوات و الارض عالم الغیب و الشّهاده أنت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیهِ یختلفون، اللهم انک تعلم و لا أعلم، و تقدر و لا أقدر، و تمضی و لا أمضی [و تقضی و لا أقضی -خ ل] و أنت علام الغیوب، صلّ علی محمد و آل محمد، و أخرج لی أحبّ السّهمین الیک، و خیرهما لی فی دینی و دنیای و عاقبه امری، انک علی کلّ شیء قدير و هو علیک یسیر و در پشت یکی از دو رقعہ افعل بنویس، و در پشت دیگری لا تفعل.

و در رقعہ سوم این را بنویس لا حول و لا قوۃ الا بالله العلی العظیم، استعنت بالله و توکلت علیہ، و هو حسبی و نعم الوکیل، توکلت فی جمیع اموری علی اللہ الحی الذی لا یموت، و اعتصمت بذی العزہ و الجبروت، و تحصنت بذی الحول و الطول و الملکوت، و سلام علی المرسلین، و الحمد لله رب العالمین، و صلی اللہ علی محمد النبی و آلہ الطاهرین و پشت این رقعہ را سفید بگذار و چیزی بر آن ننویس.

و هر سه رقعہ را محکم بیچ بر یک ہیأت و یک صورت، و در میان سه بندقہ بگذار از موم یا از گل بر یک ہیأت و یک وزن، و بده به کسی کہ اعتماد بر او داشته باشی از برادران مؤمن، و بگو کہ خدا را یاد کند و صلوات بر محمد (و آل محمد) بفرستد، و آن بندقہا را در میان آستین خود بیندازد، و دست راست خود را در میان آستین خود داخل کند و آن بندقہا را حرکت دهد، و یکی از آنها را در آورد بدون آنکہ آنها را نظر کند و یکی را بخصوص تعیین کند، و لیکن دستش بر هر یک از آنها کہ واقع شود بیرون آورد، و چون بیرون آورد، تو از او بگیر و خدا را یاد کن و آن را بگشا و پشتش را بخوان، و عمل کن به آنچه در پشت آن نوشته شده است.

و اگر کسی کہ بر او اعتماد داشته باشی حاضر نباشد خود در میان آستین بینداز و آنچه مذکور شد به عمل آور، پس اگر آنچه افعل بر آن نوشته شده است بیرون آید البتہ آن کار را بکن کہ خیر تو در آن است انشاء اللہ. و اگر آنچه بر آن لاتفعل نوشته شده است بیرون آید زنهار آن را به عمل میاور، و البتہ مخالفت این استخاره مکن کہ آزار می کشی.

و اگر رقعہ بیرون آید کہ چیزی بر پشتش نوشته نشده است، پس توقف کن تا وقت نماز فریضہ حاضر شود، پس برخیز و دو رکعت نماز چنانچه مذکور شد بکن، پس نماز واجب را بکن یا آن دو رکعت را بعد از نماز واجب بکن اگر نماز صبح و عصر نباشد، و اگر نماز صبح باشد باید کہ بعد از آن تعقیب و دعا بخوانی تا آفتاب پهن شود، پس بعد از آن دو رکعت را به جا آور. و اگر نماز عصر باشد آن دو رکعت را پیش از نماز عصر بکن، و بعد از نماز عصر آن دعاها را بخوان و بار دیگر آن عمل را اعاده کن. و اگر باز رقعہ نانوشتہ

بیرون آید باز در وقت فریضه دیگر همان عمل را اعاده کن تا یکی از رقعہ های نوشته بیرون آید (۱).

مؤلف گوید: که ظاهر روایت آن است که نوشتن رقعہ ها و پیچیدن و در میان بندقہ گذاشتن همه بعد از نماز و خواندن دعا باشد و بریدن رقعہ ها پیش باشد. و احتمال دارد که تا بندقہ کردن قبل از نماز باشد، و دور نیست که اول اولی باشد.

دوم: آن است که کلینی و شیخ و سید (رضی اللہ عنہم) و دیگران به سند مرسل از یکی از ائمه (صلوات اللہ علیہم) روایت کرده اند که شخصی از اصحاب آن حضرت پرسید که امری را می خواهم به عمل آورم و کسی را نمی یابم که با او مشورت کنم چه کنم؟ حضرت فرمود: که با پروردگار خود مشورت کن، پرسید که چگونه مشورت کنم؟ فرمود: که آن حاجت را در خاطر خود قصد کن و دو رقعہ بگیر و در یکی لا بنویس و در دیگری نعم و هر یک را در میان بندقہ از گل بگذار، پس دو رکعت نماز بکن و آن دو بندقہ را در زیر دامن خود بگذار و بگو: یا اللہ انّی أشاءرک فی امری هذا و أنت خیر مستشار و مشیر، فأشیر علیّ بما فیہ صلاح و حسن عاقبه پس دست خود را در زیر دامن داخل کن و یکی از آن دو بندقہ را بیرون آور و بگشا، اگر نعم باشد بکن، و اگر لا باشد مکن، با خدا چنین مشورت باید کرد (۲).

سوم: آن است که سید (رضی اللہ عنہ) فرموده: که در بعضی از کتب شیعه یافتیم که در دو رقعہ می نویسی بسم اللہ الرحمن الرحیم خیره من اللہ العزیز الحکیم لعبده فلان بن فلان و حاجت خود را می نویسی، و یکی را در آخرش می نویسی أفعّل یا مولای و دیگری را در آخرش می نویسی که أتوقّف یا مولای و هر یک از دو رقعہ را در میان گلوله ای از گل می گذاری و بر آن می خوانی هر یک از سوره حمد و سوره قل أعوذ برب الفلق و سوره و الضحی را هفت مرتبه، و ظرف آبی در پیش خود می گذاری و بندقہا را در میان آب می اندازی، پس هر یک که زودتر از دیگری شکافته شود و بر روی آب آید به

ص: ۶۵

۱- (۱۱۸) - بحار الانوار، ۲۳۵/۹۱-۲۳۷ از مجموع الدعوات و الفتح.

۲- (۱۱۹) - فروع کافی، ۴/۴۷۳ ح ۸ و تهذیب الاحکام ۳/۱۸۲ ح ۷ و بحار: ۲۳۷/۹۱ از سید.

آن عمل می کنی انشاء الله تعالی (۱).

چهارم: آن است که باز سید (قدس الله روحه) ذکر کرده است که یافتیم به خط علی بن یحیی حنّاط که نوشته بود که این استخاره مولای ما امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (صلوات الله علیه) است در خاطر می گذرانی هر مطلبی که داری، و این استخاره را می نویسی در دو رقعہ و بر پشت یکی می نویسی افعّل، و در پشت دیگری لاتفعل، و دو بندقه از گل می سازی و به ترازو می سنجی که با هم برابر باشند، و هر رقعہ را در میان بندقه می گذاری و در میان آب می اندازی، و هر یک که بیشتر بر روی آب می آید به آن عمل می کنی و البته مخالفت مکن، و دعا که در رقعہ ها باید نوشت این است:

ما شاء الله كان، اللهم اني أستخيرك خيار من فوض اليك أمره، و أسلم اليك نفسه، و استسلم اليك في أمره، و خلالك وجهه، و توكل عليك فيما نزل به. اللهم خولي و لا تخر عليّ، و كن لي و لا تكن عليّ، و انصرني و لا تنصر عليّ، و أعني و لا تعن عليّ، و امكني و لا تمكن مني، و اهدني الى الخير و لا تضلني، و أرضني بقضائك، و بارك لي في قدرك، انك تفعل ما تشاء و تحكم ما تريد، و أنت على كل شيء قدير. اللهم ان كانت الخيره في أمري هذا في ديني و دنياي و عاقبه أمري فسهله لي، و ان كان غير ذلك فاصرفه عني، يا ارحم الراحمين، انك على كل شيء قدير (۲).

پنجم: آن است که ايضاً سید (رحمه الله عليه) روايت کرده است از حضرت صاحب الزمان (عليه صلوات الرحمن)، و مسمى است به استخاره مصریه، و کیفیتش آن است که در دو رقعہ بنویسد خيره من الله و رسوله لفلان بن فلانه و نام خود و مادرش را بنویسد و در یکی افعّل و در دیگری لاتفعل بنویسد، و در میان دو بندقه از گل بگذارد و در میان قدح آبی هر دو را بیندازد، پس وضو بسازد و دو رکعت نماز بکند، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

اللهم اني أستخيرك خيار من فوض اليك أمره، و أسلم اليك نفسه، و توكل عليك

ص: ۶۶

۱- (۱۲۰) - بحار الانوار، ۲۳۸/۹۱ ح ۳.

۲- (۱۲۱) - بحار الانوار، ۲۳۸/۹۱ ح ۴.

فی أمره، و استسلم بک فیما نزل به من امره. اللهم خرلی و لا تخر علیّ، و أعنی و لا تعن علیّ، و مکنتی و لا تمکن منّی، واهدنی للخیر و لاتضلّنی، و أرضنی بقضائک، و بارک لی فی قدرک، انک تفعل ماتشاء و تعطی ما ترید. اللهم ان کانت الخیره فی امری هذا و هو کذا و کذا و بجای کذا و کذا مطلب خود را بگوید فمکنتی منه، و اقدرنی علیه، و امرنی بفعله، و أوضح لی طریق الهداید الیه، و ان کان اللهم غیر ذلک فاصرفه عنّی الی الذی هو خیر لی منه، فانک تقدر و لا قدر، و تعلم و لا أعلم و أنت علام الغیوب، یا ارحم الراحمین پس به سجده رود و صد مرتبه بگوید أستخیر الله خیره فی عافیة پس سر بردارد و انتظار بکشد تا یکی از آن رقعہ ها از آب بیرون آید هر یک که بیشتر بیرون آید به آن عمل کند، یعنی: اگر افعّل بیرون آید آن کار را بکند، و اگر لاتفعل بیرون آید نکند (۱).

ششم: باز سید (رحمه الله) از شیخ ابوالفتوح کراچکی که از اکابر علمای شیعه است روایت کرده است که دو رقعہ بنویس در یکی افعّل یعنی بکن، و در دیگری لاتفعل یعنی مکن، و از دیده خود پنهان کن در موضعی، و نماز استخاره بکن و خیر خود را از عالم الخفیات طلب کن، و یکی از آنها را بیرون بیاور و به آن عمل کن (۲).

مترجم گوید: که این نوع استخاره نیز از استخاره های معتبر است، و بطرق بسیار وارد شده است، و دور نیست که عمومات قرعه نیز شامل این طریق بوده باشد. و به هر یک از طرق که مذکور شد عمل کردن خوب است خصوصاً طریق اول، و اگر بعضی از دعا های طرق دیگر را نیز با آن ضم کنند بد نیست.

خاتمه: در بیان بعضی از امور نادره است

در بیان بعضی از امور نادره است

و در آن چند فائده است:

ص: ۶۷

۱- ۱۲۲) - بحار الانوار، ۲۳۹/۹۱ ح ۵.

۲- ۱۲۳) - بحار الانوار، ۲۴۰/۹۱ ح ۶.

اول: به خط شیخ سعید شهید، محمد بن مکی (حشره الله تعالی مع الشهداء الاولین)، دیدم که هرگاه شخصی در چاره امری متحیر باشد و نداند چه باید کرد، عمل کند به این خبر که در کتاب محمد بن جریر طبری که مسمی است به کتاب الاداب الحمیده دیدم که روح بن الحارث، از پدرش، از جدش روایت کرده است که فرزندان خود را وصیت کرد و گفت:

هرگاه امر عظیمی احدی از شما را روی دهد، یا حادثه باعث غم او گردد، باید که با وضو بخوابد در فراش و لحاف طاهری و تنها بخوابد، و پهلوی زنی نخوابد، و در وقت خوابیدن، سوره و الشمس و اللیل هر یک را هفت مرتبه بخواند، پس بگوید اللهم اجعل لی من امری هذا فرجاً و بخوابد، پس شخصی به خواب او می آید در شب اول یا سوم یا پنجم، و گمان دارم که هفتم را نیز گفت، و به او می گوید که فرج از این غم و دلگیری و الم در چه چیز است.

انس که راوی حدیث است گفت: مرا دردی عارض شد و علاجش را ندانستم، پس این عمل را به جا آوردم، و چون به خواب رفتم دیدم دو کس نزدیک من پیدا شدند، و یکی نزد سر من نشست و دیگری نزد پاهای من، پس یکی به دیگری گفت: تمام بدنش را دست بمال و احساس مرض بکن، پس چون دستش به موضعی از سر من رسید گفت: در این جا حجامت کن و متراش و سریشمی یا چیزی بر آن بمالد که بچسبد، پس به من گفت: او یا هر دو که ضم کن با آن انجیر و زیتون را، چون بیدار شدم همان موضع را حجامت کردم و صحت یافتم، و جماعت بسیاری را تعلیم کردم و به عمل آوردند و شفا یافتند (۱).

و شیخ طبرسی (رحمه الله) نیز در مکارم الاخلاق روایت کرده است که هر که را امری عارض شود که موجب هم او گردد و خواهد چاره خود را در آن کار بداند، باید که در وقت خواب سوره و الشمس و سوره و اللیل هر یک را هفت مرتبه بخواند، تا آن که در خواب مردی را ببیند که چاره او را تعلیم او نماید (۲).

ص: ۶۸

۱- (۱۲۴) - بحار الانوار، ۲۸۶/۹۱.

۲- (۱۲۵) - مکارم الاخلاق، ص ۳۵۱.

و شیخ مفید (قدس الله روحه) در کتاب اختصاص از حضرت امام موسی (علیه السلام) به سند معتبر روایت کرده است که هر که را به سوی خدا حاجتی باشد و خواهد که ما را در خواب ببیند و جای خود را در آخرت بداند در سه شب با غسل بخوابد و با خدا مناجات کند و به ما متوسل شود و ما را در درگاه خدا شفیع گردانند، تا آن که ما را در خواب ببیند و به حاجت خود برسد (۱).

و شیخ محمد بن هارون تلکبری (رحمه الله) در کتاب مجموع الدعوات روایت کرده است که هر که خواهد حضرت رسالت پناه (صلی الله علیه و آله) را در خواب ببیند در شب جمعه بعد از نماز مغرب مشغول نوافل گردد، و با کسی سخن نگوید تا نماز خفتن را به جا آورد، و بعد از آن دو رکعت نماز بکند، و در هر رکعت بعد از سوره حمد سه مرتبه سوره قل هو الله أحد بخواند، پس دو رکعت دیگر نماز بکند، و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله أحد بخواند.

و بعد از سلام نماز به سجده رود و صلوات بر محمد و آل محمد، هفت مرتبه بفرستد و هفت مرتبه بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لاحول و لا قوه الا بالله پس سر از سجده بردارد و درست بنشیند و دستها را بلند کند و بگوید: یا حی یا قیوم یا ذالجلال و الاکرام یا اله الاولین و الاخرین یا رحمن الدنیا و الاخره و رحیمهما یا رب یا رب پس برخیزد و دستها را بلند کند و بگوید: یا رب یا رب یا رب، یا عظیم الجلال یا عظیم الجلال، یا بدیع الکمال، یا کریم الفعال، یا کثیر التوال، یا دائم الافضال، یا کبیر، یا متعال، یا اول بلا- مثال، یا قیوم بغیر زوال، یا واحد بلا انتقال، یا شدید المحال، یا رازق الخلائق علی کل حال، ارنی وجه حبیبی و حبیبک محمد صلی الله علیه و آله منامی، یا ذالجلال و الاکرام پس رو به قبله بخوابد بر دست راست و مشغول صلوات بر محمد و آل محمد باشد تا به خواب رود، که انشاء الله

ص: ۶۹

آن حضرت را در خواب می بیند (۱).

مؤلف گوید: که در کتاب بحار الانوار روایت اول را بطریق دیگر مسبوطر از آنچه مذکور شد روایت کرده ام (۲) و در این رساله به مناسبت مذکور شد.

دوم: از اخبار سابقه معلوم شد که عمده در استخاره آن است که آدمی در امور دنیا و آخرت اعتماد بر عقل ناقص خود نکند، و باید که در جمیع امور توکل بر جناب مقدس الهی کند، و معترف باشد که من بنده عاجز جاهل ضعیفم و خداوند کریم رحیم عالم قادر مهربانی دارم که اعرف است به مصالح من از من و از جمیع مخلوقات، و امور خود را به او گذاشته ام و خیر خود را از او می طلبم.

پس توسل نماید به لطف و مرحمت خداوند کریم با غسل و نماز و دعاها که در ابواب سابقه گذشت، پس شروع کند در آن کار و آنچه روی دهد به آن راضی باشد و خیر خود را در آن بداند هر چند موافق خواهش او نباشد.

و بعد از آن استخاره با دل خود است چنانچه گذشت. و بعد از آن مشورت کردن با مؤمنان است. و بعد از آن استخاره به رقع و بنادق است، یا تفأل به قرآن مجید یا به تسییح. و ظاهراً همه خوب است، اگر چه بعضی از علما صور اخیره را منع کرده اند چنانچه سابقاً مذکور شد.

اما ظاهر آن است که غیر استخاره مطلقه که در باب اول ذکر کردیم در جایی صورت دارد که ترددی در آن باشد، نه در امری که خیریت آن ظاهراً بر آدمی معلوم باشد و ترددی در آن نداشته باشد، و نه در امور مستحبه و راجحه که خوبی آن شرعاً معلوم باشد، مگر آن که ترددی در انواع آن داشته باشد، و در امور واجبه مطلقه استخاره کردن صورت ندارد بلکه مشروع نیست، و همچنین در امر حرام استخاره جائز نیست، اما استخاره مطلقه در همه امور خوب است، مگر در امر حرام که در آن جا مطلقاً استخاره مشروع نیست.

چنانچه شیخ مفید (علیه الرحمه و الرضوان) در جواب مسائل عزیه فرموده است: که هر گاه بنده مؤمن را دو امر در خاطر خطوط کند از مصالح دنیای او که در آنها متردد باشد،

ص: ۷۰

۱- (۱۲۷) - بحار الانوار، ۳۸۰/۹۱ از مجموع الدعوات.

۲- (۱۲۸) - بحار الانوار، ۳۷۹/۹۱.

مانند سفر کردن و اقامت نمودن یا نکاح کردن یا برده خریدن و امثال اینها، سنت است که بدون استخاره متوجه آن اعمال نشود، و بعد از استخاره اگر یکی از آنها نزد او ارجح گردد به آن عمل کند، و اگر هیچ یک راجح نشود توکل کند بر خدا و یکی از آنها را به عمل آورد که انشاء الله خیر او در آن است.

و سزاوار نیست استخاره در امری که حق تعالی نهی از آن کرده است، و از برای کردن فعلی واجب استخاره نمی باشد، و استخاره در امور مباحه می باشد، یا در میان دو امر سنت که هر دو را با هم به عمل نتواند آورد، مانند جهاد سنت و حج سنت. یا آن که مردد باشد میان زیارت دو امام معصوم (علیهم السلام) یا میان صله دو برادر مؤمن که هر دو را نتواند به عمل آورد و از این باب امور (۱).

سوم: بعضی از علما دغدغه کرده اند در استخاره کردن از برای دیگری، زیرا که در روایاتی که سابقاً مذکور شد در هیچ یک و کالت مذکور نبود.

و سید بن طاووس (رضی الله عنه) تجویز نموده و فرموده است که داخل است در عموماً قضای حوائج مؤمنان (۲).

و ایضاً ممکن است که استخاره کننده این را حاجت خود قرار دهد و قصد کند که به او بگویم بکن خوب است یا نه، و اگر چه عموماً و کالت دور نیست که شامل استخاره باشد، اما احوط آن است که صاحب حاجت خود متوجه استخاره شود، زیرا که هر که اضطرارش بیشتر است توسل او به جناب مقدس الهی بیشتر می باشد. و اگر فعل غیر در این باب قائم مقام فعل او می بود می بایست با این احادیث بسیار که در این باب وارد شده است در یک حدیث اشعاری به این بفرمایند.

و ایضاً با آن توجه و التفات و مرحمتی که ائمه ما (صلوات الله علیهم) نسبت به موالی و شیعیان خود داشتند یک مرتبه برای یکی از ایشان استخاره بفرمایند، و با آن گستاخیها و بی آدابیها که فدویان و موالیان ایشان نسبت به جناب ایشان می کردند در

ص: ۷۱

۱- (۱۲۹) - بحار الانوار، ۲۳۹/۹۱، از رساله عزیه شیخ مفید.

۲- (۱۳۰) - بحار الانوار، ۲۸۵/۹۱.

یک حدیث مذکور شود که یکی از ایشان این استدعا از خدمت ایشان کرده باشند.

و یک جهت نوشتن فقیر، این رساله وافیه را این است که برادران ایمانی بر اخبار و اثار ائمه طاهرین و پیشوایان دین (صلوات الله علیهم اجمعین) که در این باب وارد شده مطلع شوند، و کیفیت انواع استخاره را بدانند که به هر نحو که خواهند در حوائج خود به استخاره متوسل شوند، و در همه امور اعتماد بر پروردگار خود نمایند، و بدانند که خداوند رحیم در فیض خود را بر روی بندگان گناهکار نبسته و همه را در جمیع امور به درگاه خود خوانده و گناه عاصیان را مانع لطف و احسان خود نگردانیده.

ملتمس از عمل کنندگان به این رساله آن که این مجرم عاصی را در حال حیات و بعد از وفات به دعای خیر یاد نمایند، و بر سهو و خطا که لازم غیر معصومین (علیهم السلام) است مؤاخذه نمایند، و با توزع بال و تشتت احوال و وفور اشغال در چند شب از لیالی ماه مبارک رمضان سنه هزار و صد و چهار هجری نوشته شد.

والحمد لله اولاً و آخراً، والصلاه علی سید المرسلین محمد و عترته المقدسین، و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین.

و تمام شد استنساخ کتاب با تحقیق و تعلیق و استخراج مصادر احادیث و روایات از کتب منقول از آن بر دست این فقیر عاصی سید مهدی رجائی در روز اول ماه مبارک رمضان سنه هزار و چهار صد و هفت هجری قمری در شهر مقدس قم عش آل محمد و حرم اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین).

آداب نماز شب

تألیف: علامه محمد باقر مجلسی قدس سره

متوفی به سال ۱۱۱۰

تحقیق: سید مهدی رجائی

ص: ۷۳

الحمد لله مكرم العابدین، و الصلاة علی سید المجتهدین محمد و عترته الاکرمین و بعد: این رساله ایست در آداب نماز شب (۱) که از احادیث معتبره استخراج نموده، باید که در وقت خواب وضو بسازد، و اگر در رخت خواب به یادش آید از لحاف تیمم کند، و تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام)، و قل هو الله احد، و قل یا ایها الکافرون، و قل أعوذ برب الناس، و قل أعوذ برب الفلق، و آیها الکرسی، و سوره الهاکم التکاثر، هر یک را که داند و تواند بخواند، و قول هو الله را پنجاه مرتبه یا صد مرتبه اگر تواند بخواند، و بر پهلوی راست رو به قبله بخوابد.

و چون بعد از نصف شب بیدار شود بگوید: الحمد لله الذی أحيانی بعد ما أمانتی و الیه النشور، الحمد لله الذی ردّ علیّ روحی لاحمده و أعبده پس نظر کند به اطراف آسمان و این آیات را بخواند إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّنا سَجِعنا مُنادِياً يُنادِى لِلإيمانِ أَنْ آمَنوا بِربِّكُمْ فَأَمَنَّا رَبَّنَا فَأَعْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ كَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ رَبَّنَا وَ آتِنا ما وَعَدتَنا عَلى رُسُلِكَ وَ لا تُخزِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّكَ لا تُخلفُ المِعادَ.

ص: ۷۵

پس مسواک کند و وضو بسازد و متوجه نماز شب شود، و در رکعت اول سنت است که هفت تکبیر با دعاها یا بی دعا چنانچه در نماز واجب می گوید بخواند، و در این دو رکعت اگر تواند در هر رکعت بعد از حمد سی نوبت قل هو الله أحد بخواند، یا در رکعت اول یک مرتبه قل هو الله، و در رکعت ثانی یک مرتبه قل یا ایها الکافرون بخواند.

و چهار رکعت بعد از این را اگر تواند بعنوان نماز جعفر بکند، که در رکعت اول اذا زلزلت، و در ثانی و العاديات، و در ثالث اذا جاء نصر الله، و در رابع قل هو الله بخواند، و اگر نداند هر سوره که داند، و بعد از سوره پانزده مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بگوید، و در رکوع ده، و بعد از رکوع ده، و در هر سجده ده، و بعد از هر سجده ده هر چهار رکعت را چنین بکند، و الا بهر نحو که تواند بکند، و اگر سوره های بلند در خاطر داشته باشد مانند یا ایها المزمّل، و یا ایها المدثر، و سوره عمّ یتساءلون، و یس، و حم دخان، و اذا وقعت بخواند.

و در دو رکعت آخر سنت است که در رکعت اول تبارک، و در ثانی هل أتى بخواند، و الا هر سوره که داند و تواند بخواند. و اگر وقت تنگ باشد هشت رکعت را به حمد تنها می تواند کرد. و بعد از هر دو رکعت مستحب است که تسبیح فاطمه (علیها السلام) بخواند، و سجده شکر به جا آورد.

پس دو رکعت شفع را می کند و در هر یک یک مرتبه قل هو الله أحد می خواند، و در روایت دیگر در هر یک سه مرتبه قل هو الله أحد وارد شده است. و در روایت دیگر در اول قل أعوذ برب الفلق و در ثانی قل أعوذ برب الناس وارد شده. هر یک را که بکند خوب است، و اگر جمع کند که در اول قل أعوذ برب الفلق با یک قل هو الله یا سه قل هو الله شاید بد نباشد.

پس مشغول یک رکعت وتر می شود، و در اولش اگر فرصت باشد هفت تکبیر با دعاها می خواند، و بعد از حمد قل هو الله می خواند. و به روایت دیگر سه مرتبه قل هو الله با قل أعوذ برب الناس و قل أعوذ برب الفلق می خواند. و به هر یک که عمل کند خوب است.

پس دست به قنوت برمی دارد و کلمات فرج را می خواند، و هر دعا که در خاطر دارد میخواند. و آنچه ضرور است هفتاد مرتبه استغفرالله ربی و أتوب الیه است، و بعد از آن هفت مرتبه بگوید هذا مقام العائذ بك من النار و اگر استغفار را صد مرتبه بگوید بهتر است، و اگر هفتاد مرتبه استغفرالله و أسأله التوبه بگوید خوب است. و اگر وقت تنگ باشد هفتاد مرتبه استغفرالله تنها می گوید. و اگر تواند بعد از این سیصد نوبت العفو العفو بگوید.

و علما گفته اند که پیش از استغفار چهل مؤمن را زنده و مرده یاد کند و طلب آمرزش برای ایشان بکند، و اگر چهل مؤمن یا زیاده هر چه تواند بعد از نماز یاد کند برای عوام شاید بهتر باشد.

و در گریه سعی کند خصوصاً در وتر، و اگر در وتر این دعای منقول را بخواند بهتر است اللهم اهدی فی من هدیت، و عافنی فی من عافیت، و تولّنی فی من تولّیت، و بارک لی فیما أعطیت، و قنی شرّ ما قضیت، فانّک تقضی و لا یقضی علیک، سبحانک ربّ البیت استغفرک و أتوب الیک، و أو من بک و أتوکل علیک، لاحول و لا قوه الاّ بک یا رحیم.

و منقول است که حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) در آخر وتر می گفت:

ربّ أسأت و ظلمت نفسی، بئس ما صنعت و هذه یدای جزاءً بما صنعتا و در این وقت دستهای خود را به پیش می گشود و پیش می داشت و می گفت: و هذه رقبتی خاضعه لک لما أتت و در این وقت سر را به زیر می افکند پس می گفت: وها أنا ذا بین یدیک، فخذ لنفسک الرضا من نفسی حتی ترضی لک العتبی لا أعود لا أعود.

و از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) منقول است که در قنوت نماز جمعه و نماز وتر این دعا را بخوانند: اللهم تمّ نورک فهدیت فلک الحمد ربّنا، و بسطت یدک فأعطیت فلک الحمد ربّنا، و عظم حلمک فعفوت فلک الحمد ربّنا، و جهک أکرم الوجوه، و جهتک خیر الجهات، و عطیتک أفضل العطیات و أنوها، تطاع ربّنا فتشکر، و تعصی ربّنا فتغفر لمن شئت، تجیب المضطرّ، و تکشف الضّر، و تشفی السّقیم، و تنجی من

الكرب العظيم، لا يجزى باللائك أحد، و لا يحصى نعماءك قول قائل.

اللهم اليك رفعت الاصوات، و نقلت الاقدام، و مددت الاعناق، و رفعت الايدي، و دعيت باللسن، و اليك سرهم و نجواهم فى الاعمال، ربنا اغفر لنا و ارحمنا و افتح بيننا و بين قومنا بالحق و أنت خير الفاتحين.

اللهم ان نشكوا اليك غيبه نبينا عنا و شده الزمان علينا و وقع الفتن بنا و تظاهر الاعداء علينا و كثره عدونا و قلله عددنا، فافرج ذلك يا رب بفتح منك تعجله و نصر منك تعزه و امام عدل تظهره اله الحق رب العالمين.

و أيضاً سنت است كه بعد از كلمات فرج اين دعا بخواند: أنت الله نور السماوات و الارض، و أنت الله جمال السماوات و الارض، و أنت الله عماد السماوات و الارض، و أنت الله قوام السماوات و الارض، و أنت الله صريح المستصرخين، و أنت الله غياث المستغيثين، و أنت الله الفرج عن المكروبين، و أنت الله المروح عن المغموين، و أنت الله مجيب دعوه المضطرين، و أنت الله اله العالمين، و أنت الله الرحمن الرحيم، و أنت الله كاشف السوء، و انت الله بك تنزل كل حاجه، يا الله ليس يرد غضبك الا حلمك و لا ينجى من عذابك الا رحمتك، و لا ينجى منك الا التضرع اليك، فهب لى من لدنك يا الهى رحمه تغينى بها عن رحمه من سواك بالقدره التى بها أحيت جميع ما فى البلاد، و بها تنشر ميت العباد، و لا تهلكنى غمًا حتى تغفر لى و ترحمنى و تعرفنى الاستجابه فى دعائى، و ارزقنى العافيه الى منتهى أجلى، و أقلنى عثرتى، و لا تشمت بى عدوى، و لا تمكّنه من رقبتي.

اللهم ان رفعتنى فمن ذا الذى يضعنى، و ان وضعتنى فمن ذا الذى يرفعنى، و ان أهلكتنى فمن ذا الذى يحول بينك و بينى، أو يتعرّض لك فى شىء من أمرى، و قد علمت أن ليس فى حكمك ظلم و لا فى نعمتك عجله، و انما يعجل من يخاف الفوت، و انما يحتاج الى الظلم الضعيف و قد تعاليت عن ذلك يا الهى، فلا تجعلنى للبلاء غرضاً، و لا لنعمتك نصباً، و مهلنى و نفسنى و أقلنى عثرتى، و لا تشعنى ببلاء على أثر بلاء، فقد ترى ضعفى و قلله حيلتى، أستعيد بك الليله فأعدنى، و أستجير بك من النار فأجرنى، و أسألك

الجنة فلا تحرمنى پس آنچه خواهی از خدا طلب کن.

و در سجده آخر نماز جعفر سنت است که این دعا بخواند: سبحان من لبس العزّ و الوقار، سبحان من تعطف بالمجد و تكرم به، سبحان من لا- ينبغى التسبيح الا- له، سبحان من أحصى كلّ شىء، علمه، سبحان ذى المنّ و النعم، سبحان ذى القدره و الكرم. اللهم ائى أسالك بمعاقد العزّ من عرشك و منتهى الرّحمه من كتابك و اسمك الاعظم و كلماتك التّامّات التى تمّت صدقاً و عدلاً، صلّ على محمد و أهل بيته و افعل بى كذا و كذا و بجای كذا و كذا حاجات خود را عرض کند.

و بعد از نماز وتر دعای صحیفه کامله را بخواند. و اگر بعد از هشت رکعت بخواند نیز خوب است، و هر دعا از دعاهاى مناجات صحیفه کامله- که بخواند نیز مناسب است، و حوائج دنیا و آخرت خود و برادران مؤمن را در این وقت طلب نماید که وقت استجاب دعاست.

و بعد از آن دو رکعت نافله را به جا آورد، و اگر بعد از طلوع صبح کاذب باشد بهتر است، و در رکعت اول سوره قل یا ایها الکافرون، و در رکعت دوم سوره قل هو الله أحد بخواند، و چون سلام دهد به پهلوی راست بخوابد، و دست راست را بر طرف راست رو گذارد، و آیه الکرسی و معوذتین و آیات آل عمران که پیش گذشت بخواند. پس بنشیند و تسبیح فاطمه (علیها السلام) بخواند، و صد مرتبه بگوید سبحان ربّی العظیم و بحمده أستغفرالله ربّی و أتوب الیه و تفصیل احکام نماز شب و دعاها در رساله کبیره و الد مرحوم (قدس الله روحه) مذکور است، به همیت اکتفا نمود، مستدعی آن است که هر که به این مسأله عمل کند این مجرم را از دعا فراموش نکند. والحمد لله و آخراً و صلی الله على محمد و آله الطاهرين.

و تمام شد استنساخ این رساله با تحقیق کامل روز وفات امام جعفر صادق (علیه السلام) ماه شوال مکرم سنه ۱۴۰۷ هجری قمری به دست این حقیر ناچیز سید مهدی رجائی در بلده قم صانها الله عن الافات و البلیات.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

